

۱۸۵

نامه دکتر مصدق درباره سرلشکر بقایی به وزارت جنگ*

چون سرلشکر بقائی رئیس سابق شهربانی مسئول حفظ انتظامات شهر تهران بوده و بعلت عدم مراقبت مشارالیه وقایع ناگوار و اسف‌آور بیست و سوم تیرماه به وقوع پیوسته دستور فرمائید فوراً دادگاه نظامی تشکیل و ترتیب محاکمه علنی ایشان داده شود.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۸۶

نامه دکتر مصدق در جواب سفیرکبیر امریکا در تهران

سفیرکبیر عزیزم [!]
در جواب یادداشت هفتم مردادماه ۱۳۳۰ (۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱) محترماً اشعار می‌دارد: بسیار خوشوقت می‌شوم اگر از جناب آقای هریمن سؤال فرمائید کدام جمله از بیانی که در جواب ایشان در شب گذشته به وسیله جنابعالی به لندن مخابره شده ایجاد محذور نموده و باعث شده که ایشان تصور کنند پیام مزبور تسهیلی در افتتاح باب مذاکرات نمی‌نماید و بنابراین از تسلیم آن به دولت انگلستان خودداری فرموده‌اند.

موقع را برای تجدید احترامات مغتنم می‌شمارد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۸۷

تلگراف دکتر مصدق در جواب حسین مکی

نشان شیر و خورشید و تاج

تلگراف

از	شماره قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به	شماره تلگراف	۴۸	۸		روز ماه
					۵ / ۸

خدمت جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی [!]
تلگراف گرامی از هفتگل عز وصول بخشید. از الطاف جنابعالی و حضرات آقایان محترم

* این دستور از طرف آقای نخست‌وزیر امروز به وزارت جنگ صادر شده است.

صمیمانه تشکر می‌کنم امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشیم و تحت توجهات خداوند
متعال در خدمت بوطن عزیز موفق شویم.

دکتر محمد مصدق

۱۸۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیت‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۳۰/۵/۱۰
شماره
پیوست

بعرض می‌رساند [:]

مرقومه محترم عز وصول بخشید و اظهار لطف عالی موجب نهایت امتنان و تشکر گردید.
امید است همواره برکات انقاس و افاضات عالیه روحانیت ممد اصلاحات و ترقیات کامل ملک
و ملت باشد. در باب وجوهی که از حجاج بیت‌الله اخذ می‌شود وزارت امور خارجه مشغول
مطالعه بوده و بنحو مقتضی ترتیب اینکار داده خواهد شد و عجالاً هم که بواسطه بروز امراض
و با و طاعون عزیمت حجاج ممنوع گردیده است.
ایام سعادت مستدام باد.

دکتر محمد مصدق

۱۸۹

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۵/۱۳
شماره ۱۲۴۲۴
پیوست بکبرگ

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در جواب نامه شماره ۱۵۶۴۳ - ۱۳۳۰/۵/۳ دایر بارجاع مأموریت به آقای اکباتانی؛ رونوشت
شرحی که به آقایان وزراء محترم کار - فرهنگ - کشور نوشته شده برای استحضار خاطر شریف
به پیوست فرستاده می‌شود.

نخست وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه] [رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۶۱۲۱

ساله ۱۳۳۰/۵/۱۷

[با خط دیگری]

به عرض ریاست مجلس رسید ضمیمه پرونده اداره بایگانی شود. ۳۰/۵/۱۷

۱۹۰

نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی

تاریخ نشان شیر و خورشید و تاج

شماره نخست‌وزیر

پیوست

فوری است

جناب آقای وزیر دارائی

با ارسال رونوشت نامه شماره ۱۶۲۴۳ - ۳۰/۵/۲ - مجلس شورای ملی دایر به تهیه لوحه طلا جهت آرامگاه اعلیحضرت شاهنشاه فقید خواهشمند است دستور فرمائید برای اجرای قانون مصوب ۳۱ خرداد ۲۸ اعتبار کافی در بودجه سال ۱۳۳۰ کل کشور تأمین نمایند تا بوسیله وزارت اقتصاد ملی لوحه مزبور تهیه و در آرامگاه شاهنشاه فقید نصب گردد.

نخست‌وزیر

رونوشت به وزارت اقتصاد ملی فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر

۱۴۱۴۰
۳۰/۶/۵

رونوشت برای اطلاع ریاست محترم مجلس شورای ملی ایفاد می‌گردد.

نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر] ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی شماره ۱۶۸۱۱ ساله ۱۳۳۰/۶/۷

[با خط دیگری] بعرض رسید - رونوشت به کمیسیون محاسبات مجلس و اداره کاری اداری فرستاده شد.

حمیدی ۳۰/۶/۶

۱۹۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

پنجم شهریورماه ۱۳۳۰

قربانت شوم [!]. تیمسار سرلشکر میرجلالی آمدن خود را به تهران لازم ندانند. تلگرافی به

ستاد ارتش فرموده‌اند که لازم می‌دانم از مضمون آن فوراً مطلع شده و راجع بصدور اعلامیه‌ای که به آن اشاره شده و خود بنده معتقد بآن نیستم و انتشار آن موجب سوءتفاهم خواهد شد عقیده خود را سربسته یا تلفنی بفرمائید تا ساعت ۹ صبح فردا چهارشنبه ۶ در منزل هستم و بعد به مجلس سنا می‌روم.

دکتر محمد مصدق

۱۹۲

تلگراف جناب دکتر مصدق به نخست وزیر مصر

جناب آقای نحاس پاشا نخست وزیر مصر [؛]

دولت و ملت ایران مجاهدات و مبارزات ملت دوست و نجیب و دولت محبوب مصر را با دیده تقدیر و تحسین می‌نگرد و به جناب عالی اطمینان می‌دهم این پایداری دلیرانه‌ای که برای حصول آمال ملی مردم کشور خود بکار می‌برید در قلوب فرد هموطنان من تأثیر عمیقی بخشیده است. خواهشمندم همدردی برادرانه و علاقمندی صمیمانه ملت ایران و پشتیبانی کامل آنها را به ملت مبارز مصر اعلام فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۱۹۳

نامه دکتر مصدق به وزارت دارایی مبنی بر سلب اجازه معاملات ارزی از بانک انگلیس در ایران

وزارت دارائی - ۱۷۱۵۶ - ۳۰/۶/۱۶ مقتضی است به کلیه ادارات و مؤسسات دولتی و شرکت‌ها و بنگاه‌ها و بانکها که با سرمایه دولت تشکیل شده و یا دولت در آن سهم است دستور فرمایند اگر حساب در بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه دارند بلافاصله حساب خود را بسته موجودی را بسایر بانکها منتقل نمایند.

بانک ملی ایران از اجرای این دستور مستثنی خواهد بود.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۹۴

تلگراف دکتر مصدق به علمای اصفهان

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن

تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	شماره قبض	از کاخ
ماه	روز		۱۷	۱۴۰	شماره تلگراف	به اصفهان
۶	۱۷					

بوسیله حضرت آیت‌الله آقای چهارسوقی خدمت حضرات آیات عظام امام‌الله بقائهم [!] بیانیه حضرات آقایان عظام که در تقویت و تأیید از دولت صادر فرموده‌اند زیارت و موجب کمال تشکر و امتنان گردید. از خداوند متعال برای همگی نسبت به وطن عزیز توفیق خدمت می‌طلبم و تمنا دارم آقایان متحصنین را از تلگرافخانه ضمن اظهار تشکر و سپاسگذاری از احساساتی که ابراز فرموده‌اند روانه فرمائید. نظر به اینکه امروز مجلس شورای ملی برای اخذ رأی اکثریت نداشت این جانب فقط قناعت نمودم که نظریات دولت را بعرض برسانم و درخواست کنم چنانچه نمایندگان غایب از جلسه و مخالف با نظریه دولت موافق می‌باشند تا روز سه‌شنبه ۱۹ شهریورماه درخواست تشکیل جلسه فوق‌العاده نموده و حاضر شوند و رأی خود را بدهند [..]

با تقدیم احترامات - دکتر محمد مصدق

۱۹۵

تلگراف دکتر مصدق به رشت درباره خرابی راهها

آقای جهانگیری رئیس راه

۴۱۹۵؛ راه موقتی برای تأمین عبور در هر نقطه که لازم باشد احداث نمائید و دو دستگاه گرادر برای پاک کردن راه اعزام می‌شود نتیجه عملیات و تاریخ افتتاح راه تلگرافید.

مصدق

رونوشت به اداره کل راه شوسه ابلاغ می‌شود که فوراً دو دستگاه گریدر به گیلان اعزام دارند.

وزیر راه

شماره ۱۴۴۲۶

تاریخ ۳۰/۶/۲۳

رونوشت تمام برای استحضار

جناب آقای رضا رفیع قائم‌مقام‌الملک نماینده محترم مجلس شورای ملی ارسال می‌شود.
از طرف وزیر راه مصدق

۱۹۶

تلگراف دکتر مصدق به متحصنین آذربایجان

۳۰/۶/۳۷

آقایان محترم متحصنین [؛] از احساسات گرانبهای هموطنان عزیز که در تقویت و تأیید اقدامات دولت ابراز می‌شود کمال تشکر و امتنان را دارم. عدم اکثریت کافی برای رأی موجب آن نخواهد شد که دولت تصمیمی که بخیر و صلاح مملکت اتخاذ نموده به موقع اجرا نگذارد. خواهشمندم آقایان محترم به خانه‌های خود تشریف ببرند و بدانند همین عواطف پاک و احساسات مقدس موجب سربلندی و افتخار جامعه ایرانی است و امیدوارم از آن همیشه در راه خیر و صلاح مملکت استفاده شود. توفیق عموم هم‌میهنان عزیزم را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۱۹۷

جواب دکتر مصدق به تلگراف حجج اسلام اصفهان
توسط آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

از ط به ص	شماره } تلگراف	قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
				۲۴	ساعت ۱۴	روز ماه ۶ ۲۴

توسط حضرت آیه‌الله آقای چهارسوقی [؛]

حضرات آقایان حجج‌الاسلام دامت برکاتهم [!] به زیارت تلگراف محترم آقایان برخوردار شدم و امیدوارم خداوند توفیق انجام خدمتی را که روحانیون محترم و طبقات دیگر کشور به اینجانب محول فرموده‌اند عنایت فرماید و با ضعف مزاج و بنیه که دارم بتوانم این خدمت خطیر

را به پایان رسانم. لازم است این نکته را تصریح نمایم که با احساسات صادقانه ملت تا حال از مجلسین شورا و سنا جز اعتماد مکرر و کامل نظری نسبت به این دولت ابراز نشده و همان اعتماد باقی و غیرمتزلزل است و برای اینجانب نظر مخصوصی موجود نیست که تقاضای رأی اعتماد مجدد بنمایم و مادام که خلاف اعتمادی از طرف ملت و مجلسین وجود ندارد نظریات اتخاذ شده قویاً اجرا می‌شود. بنابراین خواهشمندم مقرر فرمایند مردم اصفهان به تحصن خود خاتمه داده مخلص را رهین امتنان فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۱۹۸

جواب دکتر مصدق به اهالی اصفهان

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

۳۱ شهریور ۱۳۳۰

آقایان محترم اهالی اصفهان

ورقه‌ای که آن هموطنان عزیز با امضای خود مزین نموده بودند رسید و موجب نهایت امتنان گردید. مخصوصاً جناب آقای احمد انواری با بهترین بیان مبلغ منویات شما شدند. توفیق آقایان محترم را در پایداری و قوت خود را در انجام خدمتی که به عهده گرفته‌ام از خداوند مسئلت دارم.
دکتر محمد مصدق

۱۹۹

نامه دکتر مصدق به حکمت رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۷/۱

شماره ۱۷۸۳۳

پیوست

جناب آقای حکمت رئیس محترم مجلس شورای ملی [؛]

نظر به اینکه دولت گزارشی تهیه نموده که باید این جانب بعرض مجلس شورای ملی برسانم مقتضی است چنانچه عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم در شهر تشریف ندارند قبلاً به آقایان اعلام فرمایند که در جلسه علنی فردا حضور بهم رسانند.

با تقدیم احترامات - نخست وزیر دکتر محمد مصدق

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]: [رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۸۰۲۱

ساله ۱۳۳۰/۷/۱

[با خط دیگری]

مستقیماً بعرض ریاست معظم رسید، دستور تهیه جواب صادر فرمودند. ۳۰/۷/۱ حمیدی

۲۰۰

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس سنا

ریاست محترم مجلس سنا [؟]

پیرو درخواست قبلی دولت مبنی بر تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا بمنظور رسیدگی به لایحه تسهیل مالیات‌ها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور، اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است مقرر فرمائید پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبری ایالات متحده آمریکا در تهران نیز در جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد. مزید تشکر است.

نخست‌وزیر

۲۰۱

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیه‌الله چهارسوقی

تاریخ ۳۰/۷/۳

شماره ۱۷۲۰۹

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

بعرض عالی می‌رساند [؟]

ضمن ادای آداب احترام و استفسار از سلامتی وجود شریف وصول نامه شریفه را اعلام و رونوشت نامه را که به وزارت جنگ فرستاده شده برای استحضار ارسال می‌دارد با اتکاء مخصوص بسادعیه شریفه توفیق انجام خدمات مرجوعه ملی را از خداوند مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۰۲

رونوشت نامه دکتر مصدق به وزارت جنگ جهت آیه‌الله چهارسوقی

تاریخ
 نشان شیر و خورشید و تاج
 شماره
 نخست‌وزیر
 پیوست

وزارت جنگ [!]

عین نامه جناب آقای آیت‌الله چهارسوقی که از اصفهان رسیده است فرستاده می‌شود که راجع به انتقال سرگرد حسن و مهدی نوربخش مورد توجه قرار دهند و جواب مستقیم صادر نمایند.

نخست‌وزیر

۲۰۳

نامه دکتر مصدق در جواب پیام وزیر دربار

تاریخ ۴ مهرماه ۱۳۳۰

جناب آقای حسین علاء وزیر محترم دربار شاهنشاهی [!]

پیام جنابعالی به این جانب رسید برای اینکه سوء تفاهمی حاصل نشود نظریات خود را به وسیله این یادداشت عرض می‌کنم.

تردید نیست که هر فردی از افراد آزادی عمل دارد و هر عملی که از او صادر شود مسئولیت آن به عهده خود فاعل می‌باشد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که حافظ تمامیت و استقلال مملکتند به دولت امر دادند که حتی المقدور در ارسال اولتیماتوم به دولت انگلیس خودداری شود و اختلافی که بین دولت انگلیس به نمایندگی از طرف شرکت سابق نفت جنوب و دولت ایران هست با یک رویه مسالمت‌آمیزی حل شود.

دولت چاره‌ای جز امتثال امر پادشاه محبوب خود نداشت و روی این زمینه پیشنهاد بسیار منصفانه‌ای که حداکثر موافقت بود تهیه و توسط جنابعالی تسلیم سفارت کبرای انگلیس کرد، ولی مع التاسف آن سفارت در آخر نامه خود به جنابعالی چنین نوشت:

«بنابراین متأسفانه باید به استحضار خاطر آن جناب برسانم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نه می‌تواند ورقه مزبور را سند رسمی تلقی کند و نه هم محتویات آن را اساس و زمینه‌ای قرار داد که بر روی آن بتوان مذاکرات را از نو آغاز نمود»

در این صورت هر شخص بی‌غرض تصدیق خواهد کرد که مراجعه دولت ایران به دولت

انگلیس با وجود چنین نامه توهین آمیزی که به وزارت دربار نوشته شده بود منطبق نداشت. متخصصین فنی انگلیسی کارمندان و کارکنان شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بوده‌اند و پس از ملی شدن صنعت نفت و انحلال شرکت مزبور منطقی ندارد که آنها در سرزمین ایران توقف نموده و به ضرر ایران عملیاتی بکنند. بنابراین دولت ایران حق داشت که به آنها اخطار کند که خاک ایران را ترک کنند تا اینکه دولت ایران بتواند متخصصین دیگری از هرکجا که سهل‌المأخذ تمام شود استخدام کند. البته دولت انگلیس که حامی صلح جهانی و دوست صمیمی ایران است نمی‌بایست راضی شود که با توقف متخصصین انگلیسی نه متخصصین خارجی دیگری حاضر به کار در ایران شوند و نه اشخاصی که احتیاج به خریداری نفت از ایران دارند از ترس اینکه مبادا روزی کمپانی سابق نفت بیک عنوان در امور ما دخالت نموده و با آنها لجاج کند که حاضر به خرید نفت نشوند و وضعیت دلخراش ایران به همین حالی که هست باقی بماند. صاف و بی‌پرده عرض می‌کنم که اگر دولت انگلیس از رویه‌ای که تا کنون تعقیب کرده منصرف نشود مسئول هر خطری خواهد بود که متوجه ایران بشود. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۰۴

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

تاریخ ۱۳۳۰/۷/۸
نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

جناب آقای مهندس حسینی

از شورای امنیت دعوتی رسیده که در ظرف چهار ساعت باید جواب آن داده شود. تمنی می‌کنم پنج بعدازظهر امروز (دوشنبه هشتم مهرماه) اول وقت که هیئت وزیران در بنده منزل تشکیل می‌شود سرافراز فرمائید.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۰۵

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای غنی‌زاده

جناب آقای غنی‌زاده رئیس کانون پزشکپاران آذربایجان نامه گرامی عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. احساسات

بی‌آلایش امثال آقایان محترم است که زحمات و مشقات را در پیش بردن مقاصد ملی هموار و این‌جانب را بیش از پیش به کار تشویق می‌نماید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۰۶

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

جناب آقای حسین مکی نماینده محترم و عضو هیئت مختلط مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

این موقع که آخرین افراد کارشناسان و کارمندان انگلیسی بدون بروز هیچ‌گونه حادثه غیرمنتظره خاک ایران را ترک گفته‌اند لازم می‌دانم از زحمات و مراقبت‌های مدام و شبانه‌روزی جنابعالی که در گرمای شدید تابستان خوزستان از روی کمال ایمان و صمیمیت انجام وظیفه نموده‌اید قلباً تشکر کنم و توفیق خدمتگذاری بیشتر را برای جنابعالی آرزو نمایم.

یقین است ملت ایران این مأموریت تاریخی و مهم شما را هرگز فراموش نخواهد کرد. در خاتمه خواهشمندم به کلیه رؤسای ادارات دولتی و کارمندان و کارگران محبوب مناطق نفت‌خیز که از هیچ‌گونه همکاری و وظیفه‌شناسی در این مورد مضایقه نکرده‌اند مراتب امتنان دولت و شخص این‌جانب را ابلاغ فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۲۰۷

نامه دکتر مصدق به ناصرقلی اردلان

جناب آقای ناصرقلی اردلان نماینده محترم مجلس و عضو هیئت مختلط مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

اینک که آخرین افراد بیگانه آبادان را ترک کرده‌اند ضرورت دارد که از مراقبت‌های مدام جنابعالی برای نظارت در اجرای قانون خلع ید و حسن اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت کمال امتنان و تشکر خود را ابراز دارم و موفقیت روزافزون جنابعالی و همه همکاران محترمتان و همچنین توفیق کارمندان دولت و کارگران عزیز مناطق نفت‌خیز را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۰۸

نامه دکتر مصدق به اعضای هیئت مدیره موقت

جناب آقایان اعضای هیئت مدیره موقت [۱]

اکنون که آخرین دسته کارشناسان و کارمندان انگلیسی از ایران عزیمت کرده‌اند برای دولت و این جانب بهترین فرصت ابراز امتنان و تشکر از آن هیئت محترم بدست آمده است در نتیجه مراقبت مال‌اندیشی و دقت لازم که از طرف عموم آقایان محترم بکار رفته بحمدالله بدون بروز هیچ‌گونه حادثه، جریان خلع ید انجام یافت و این مأموریت مهم به بهترین صورت پایان پذیرفت، تمنا دارم بفرد فرد رؤساء و کارمندان و کارگران نواحی نفت‌خیز این امتنان قلبی و تشکر صمیمانه این جانب را ابلاغ فرمایند.

۲۰۹

نامه دکتر مصدق در جواب تلگراف ابوالقاسم امینی

نخست وزیر

جناب آقای ابوالقاسم امینی استاندار محترم اصفهان [!]

تلگراف ۱۶۶-۳۰/۷/۱۳۰ شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. ضمن سپاسگذاری از احساسات و وطن‌پرستانه اهالی محترم اصفهان امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۱۰

جواب دکتر مصدق به نامه آقای ادیب برومند

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۳۰
شماره ۱۲۶
پیوست

خدمت آقای ادیب برومند

از نامه و احساسات ملاطفت‌آمیز شما و مخصوصاً چکامه‌ای را که در تهییج و تشریح احساسات ملی سروده و ارسال فرموده بودید نهایت تشکر را دارم.

دکتر محمد مصدق

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[اظهارنامه]

۲۱۱

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف شهردار تهران

جناب آقای محمد مهران شهردار تهران [!] - از احساسات شما و اهالی محترم تهران نهایت تشکر را دارم.
دکتر محمد مصدق

۲۱۲

پاسخ تلگرافی دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله کاشانی

تهران - خدمت حضرت آیت‌الله کاشانی [!]
وصول تلگراف محترم موجب امتنان و کمال تشکر گردید. تأییدات و اقدامات شجاعانه حضرت عالی همیشه اساس موفقیت ملت ایران در این مبارزه تاریخی بوده است از خداوند متعال سلامتی و طول عمر حضرت عالی را خواستارم و یقین دارم که ملت ایران از برکات آن وجود محترم در ترقیبات و اصلاحات آینده خود بیش از پیش بهره‌مند خواهد شد.
دکتر محمد مصدق

۲۱۳

تلگراف دکتر مصدق از واشنگتن به آقای باقر کاظمی

ضمن ابراز تشکر از بذل عنایت هم‌میهنان عزیز، خواهشمند است از رؤسای محترم اصناف تمنا کنید از بستن طاق نصرت یا هرگونه تظاهر نظیر در موقع مراجعت این‌جانب خودداری نمایند.

۲۱۴

تلگراف دکتر مصدق به کفیل نخست وزیری

آقای کاظمی کفیل نخست‌وزیر [!]
خواهشمندم مراتب تبریک و تشکرات قلبی این‌جانب را به آقایان اعضاء کمیسیون مختلط و هیئت‌مدیره موقت و هم‌چنین مهندسین و کمک مهندسین و کارگران آبادان که موفق شده‌اند بدون کمک متخصص خارجی، منابع نفت کشور خود را مجدداً بکار اندازند ابلاغ فرمایند - موفقیت کامل آقایان را در این وظیفه سنگین ملی آرزو مندم.

دکتر محمد مصدق

۲۱۵

تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به آقای نورالدین کیا

نشان شیر و خورشید و تاج
سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
واشنگتن

شماره ۱۱۶
تاریخ ۱۳۳۰/۸/۲۲

آقای نورالدین کیا

دبیر اول نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد

چون طرز کار شما در مدت توقف هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت چه در نیویورک و چه در واشنگتن از روی کمال و وظیفه‌شناسی و جدیت بوده است بدین وسیله از مراقبت و دقتی که در انجام خدمات محوله بکار برده‌اید تقدیر می‌نماید.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۱۶

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ...
شماره ...
پیوست ...
به عرض عالی می‌رساند

مرقومه شریفه عز و وصول ارزانی داشت. از الطاف و عنایت مخصوص بینهایت متشکر و امیدوارم دعای خیر جنابعالی همواره در حلّ معضلات یار و مددکار بوده باشد. در مورد تغییر مأمورین دارایی و غیره چون طبق تصمیم شورای عالی نظارت انتخابات اقدام شده به نظر می‌سد که در مورد خاصی تبعیض در آن مشکل خواهد بود.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۱۷

متن نامه دکتر مصدق به رئیس‌جمهور امریکا قبل از ترک آن کشور

حضرت مستر ترومن رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا [!]

چون از توقف بیش از دو هفته این‌جانب در واشنگتن و مساعی جمیله امناء دولت آن حضرت در حل اختلاف ایران و انگلیس در مسئله نفت ایران متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نگردید و این‌جانب تصمیم دارم روز پنجشنبه ۱۵ نوامبر به ایران عزیمت نمایم و به واسطه غیبت آن

حضرت از واشنگتن موفق به وداع حضوری نمی‌شوم اجازه می‌خواهم از پذیرایی گرم و محبت‌هایی که آن حضرت و کارکنان دولت امریکا در طول اقامت این‌جانب در این پایتخت زیبا نسبت به این‌جانب فرموده‌اند تشکرات صمیمانه خود را تقدیم داشته ضمناً به حکم ضرورت پاره‌ای نکات مهمه را به استحضار خاطر محترم برسانم.

دلایل لزوم وضع قانون ملی شدن صنعت نفت ایران چه حضوراً و چه به وسیله پیام‌هایی که در این چند ماه اخیر فی‌مابین مبادله گردید مفصلاً بیان شده و تکرار آن را جایز نمی‌دانم. پس از شروع به اجرای آن قانون که مواجه با اعتراضات غیرموجه دولت انگلیس گردید و آن حضرت برای رفع اختلاف نظر فی‌مابین به طور دوستانه توصیه‌هایی فرمودید ملاحظه شد که دولت این‌جانب بلادرنگ و با کمال حسن نیت استقبال کرد و به مصلحت‌اندیشی آن حضرت جناب اورل هریمن را برای مشورت به تهران دعوت نمود و با تبادل نظری که بین ایشان و دولت ایران و هیئت مختلط منتخب مجلسین به عمل آمد فرمول برای مذاکره با دولت انگلیس بر اساس شناسایی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران مبنی بر اساس این که اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری نفت در دست دولت ایران باشد مورد موافقت دولتی ایران و انگلیس واقع و موجب آمدن هیئتی از طرف دولت انگلیس به تهران گردید.

و ملاحظه فرمودید که هیئت اعزامی انگلیس برخلاف مدلول صریح فرمول مرضی‌الطرفین پیشنهاداتی کرد و به طور ناگهانی تصمیم به ترک تهران گرفت و دولت ایران برای منصرف کردن آن هیئت از قطع مذاکرات با اطلاع آقای هریمن پیشنهاداتی به هیئت انگلیس تسلیم نمود و حداکثر مساعدتی که در حدود قانون ایران ممکن بود بشود کرد و بی‌نتیجه ماند و همچنین ملاحظه فرمودید که دولت ایران در اجرای قانون خلع ید از کمپانی سابق و نسبت به کارشناسان انگلیسی حداکثر مدارا را کرد و مخصوصاً از زمانی که آقای هریمن به تهران وارد شد این مدارا را به درجه‌ای رسانید که بهانه مخالفت نسبت به دولت شد.

البته به خاطر دارید که دولت برای اینکه به هیچ وجه در صدور نفت به ممالکی که مشتری سابق ایران بودند خللی وارد نیاید ابتداء به گرفتن یک رسید ساده از کشتی‌هایی که برای بارگیری آمده بودند اکتفا کرد و به کارشناسان انگلیسی با حفظ تمام مزایایی که داشتند و ابقاء کلیه نظامات شرکت سابق که منفی با ملی شدن صنعت نفت نباشد تکلیف استخدام کرد، متأسفانه همه این مساعدت‌ها و گذشتها به هدر رفت و رویه متخذه از طرف عمال کمپانی سابق منتهی به تعطیل بهره‌برداری منابع نفت ایران شد، یعنی در موقعی که تمام وسایل کار موجود بود و کارشناسان انگلیسی در پست‌های خودشان باقی بودند کلیه دستگاهها را از کار انداختند و تردیدی باقی نماند که انگلیسها مایل به حل قضیه نبوده‌اند و نقشه آنها این بوده و هست که با قطع کردن عواید نفت، ایران را چندی دچار مضیقۀ مالی و بحران اقتصادی کرده دولت را مجبور به قبول نظریات خود بکنند.

دولت ایران که نمی‌توانست دست روی دست گذارده منتظر چنین پیش‌آمد ناگواری شود تصمیم گرفت وسائل رفع تعطیل صنعت نفت ایران را خود فراهم کند و چون در عمل ثابت شده بود که وجود کارشناسان انگلیس که از قبول استخدام شرکت ملی نفت ایران خودداری کرده‌اند مانع انجام این منظور است لازم بود باقامت آنها خاتمه داده شود ولی برای آخرین کوشش متوسل به آقای هریمن گردید و از ایشان تقاضا شد به دولت انگلیس اعلام نمایند در صورتیکه برای تجدید مذاکرات حاضر نشوند این تصمیم به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و چون ایشان از وساطت این دفعه امتناع کردند زمینه جدیدی برای مذاکرات که حداکثر ارفاق و مسالمت را دربرداشت توسط وزیر دربار شاهنشاهی تسلیم سفیر انگلیس نمود ولی وقتی ملاحظه شد که این طرح را هم بدون امعان نظر فوراً رد کردند و از مذاکره یاس کامل حاصل شد دولت ناچار شد که با موافقت هیئت مختلط جواز اقامت کارشناسان انگلیسی را لغو کند.

دولت انگلیس که در این مدت حسن نیت دولت ایران را ضعف تلقی کرده و مداراهای ما را با اقدامات تهدیدآمیز از قبیل اعزام کشتی‌های جنگی بمجاورت آبهای ساحلی ایران و افزایش فشارهای اقتصادی و فراخواندن کشتی‌های حاصل کالاهای مایحتاج ایران جواب می‌داد برای جلوگیری از اخراج کارشناسان انگلیسی و در واقع برای مانع شدن دولت ایران از ادامه بهره‌برداری از صنعت نفت به عناوین غیر وارد بشورای امنیت توسل جست و این عمل موجب شد که خود این جانب برای دفاع از حقوق حقه ایران عازم امریکا شدم و این مسافرت فرصتی به این جانب داد که دعوت محبت‌آمیز آن حضرت را برای آمدن به واشنگتن و درک فیض ملاقات آن حضرت و همکاران محترمان قبول نمودم و در این مدت که اینجا هستم انصافاً مشاهده شده که اولیاء وزارت امور خارجه امریکا نهایت جدیت را در پیدا کردن راه‌حلی مبدول داشتند که موجب کمال تشکر این جانب است ولی متأسفانه مساعی آنها به نتیجه منتهی نتوانست بشود و اگر این جانب تمام وقت خود را با تمام گرفتاریهایی که دولت در تهران دارد در اینجا گذرانده یک نتیجه مسلماً از این صرف وقت گرفتم و آن این است که به دولت و ملت امریکا معلوم و هوایدا گردید که علی‌رغم کمال حسن نیت دولت ایران دولت انگلیس مایل به حل قضیه نیست و نظری جز گذراندن وقت و انتظار اثر وخامت اوضاع اقتصادی ایران ندارد.

این نکته را هم ناگفته نمی‌گذارم که سر رویه دولت انگلیس در ماطله و عدم اجراء فورمول هریمن این است که چون اتباع آن دولت امتیازاتی در پاره‌ای از ممالک دارند هرگاه طبق فورمول مزبور اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری معادن نفت در ایران به دست دولت قرارگیرد، سایر دول دهنده امتیاز نیز ممکن است از صاحبان امتیاز نظیر همین عمل را بخواهند و بالتبلیجه به فوائد سرشار صاحبان امتیاز لطمه وارد شود.

ولی باید تصدیق کرد این عوائد در مقابل مخارجی که دولتها برای تسلیحات می‌کنند و

تلفات جانی و مالی که با تباع آن‌ها وارد می‌شود به هیچ وجه ارزشی ندارد و بهتر آن است که استرضای ملل صاحبان معادن نفت را بعمل آورند تا عدم رضایتشان موجبات تشنج صلح عمومی را فراهم نکند.

اکنون که به این مرحله اسفانگیز رسیده است برای اینکه از این مسافرت نتیجه حاصل شده باشد بخود اجازه می‌دهم بار دیگر در مقام تصدیق برآمده توجه آن حضرت را به وضع وخیم اقتصادی ایران معطوف بدارم.

تصور می‌کنم وضع فعلی ایران بر آنحضرت کاملاً روشن است و می‌دانید که این وضع از زمان جنگ بین‌المللی دوم شروع شده و در آن جنگ ملت ایران به امید وعده‌های آزادی و استقلال ملل و منشور آتلانتیک قربانی‌ها و فداکاری‌هایی متحمل گردید تمام وسایل نقلیه و ارتباطات ایران، تمام قوای مولده ملت ایران برای پیشرفت متفقین تجهیز شد تا ایران مقام پل پیروزی را احراز کرد.

ولی در عین حال در نتیجه این مشارکت، مالیه و اقتصاد ایران در هم ریخت و ما از نظر اقتصادی فوق‌العاده ضعیف و بی‌بنیه شدیم و هزینه زندگی مردم ایران بر اثر افزایش حجم اسکناس و سایر علل ناشیه از توقف قوای متفقین در ایران تا ده برابر قبل از جنگ ترقی کرد. سران متفقین وقتی که برای تشکیل کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳ به ایران آمدند این فداکاری‌ها را تصدیق و تحسین کردند و وعده کمکهای اقتصادی بعد از جنگ را در ضمن یک اعلامیه رسمی به ما دادند.

ما از فداکاری‌هایی که کردیم پشیمان نیستیم، تاسف ما از این است که بعد از جنگ هیچ کمکی به ما نشد سهل است، عمال استعمار نگذاشتند که ما با استفاده از منابع داخلی خودمان که اهم آن عایدات نفت است خرابی‌های خود را ترمیم کنیم و برای اینکه با تحمیل یک قرارداد الحاقی زیان بخش قرارداد بی‌اعتبار ۱۹۳۳ را تنفیذ و تأیید بکنند و به سیاست استعماری ادامه بدهند. عمال کمپانی از یک طرف مطابق یک نقشه ماهرانه در طی این پنج شش سال بعد از جنگ از یک طرف با دساینس سیاسی ما را از کمک‌هایی که دولت امریکا حتی بدشمنان سابق خود کرده و می‌کنند و حتی از کمک‌های موسسات بین‌المللی محروم ساختند و از طرف دیگر مالیه مملکت را دچار کسر فاحش بودجه کردند و هم برنامه‌های عمرانی ما را عقیم گذاشتند.

البته این وضعیات باید بتدریج اصلاح بشود و دولت اینجانب تدابیر فوری و مؤثری برای بهبود وضع مالی و اصلاح بودجه و حذف مخارج غیر ضروری اتخاذ کرده و بعداً از هر گونه کوششی برای اصلاح امور اقتصادی فروگذار نخواهد کرد.

اما وخامت اوضاع اقتصادی ما فعلاً طور است که اگر یک چاره فوری نشود جریان امور مملکت دچار تشنج و اختلال خواهد شد و خدای نخواستہ اوضاعی ممکنست پیش آید که

برای صلح جهان که مورد علاقه آن حضرت است خالی از خطر نباشد و قهراً عواقب وخیم پیش آمدهائی که در جریانات و اوضاع جهان تأثیر دارد دولت امریکا را دچار مشکلات خطیر می‌کند و اگر با توجه به مسئولیتی که دولت امریکا در امور بین‌المللی بعهده دارند همیشه علاج واقعه را قبل از وقوع فرمایند حتماً کم‌زحمت‌تر و کم‌خرج‌تر خواهد بود. در این صورت تصور می‌کنم که هرگاه از محل همین اعتبار که به اختیار آن حضرت گذاشته شده یا هر محل سهل‌الحصول دیگری که مقتضی بدانید یک مساعدت فوری و مؤثری به کشور ایران بفرمائید بسیار بموقع و لازم خواهد بود.

و اینکه تقاضای کمک از اعتبار مذکور می‌کنم علت آن این است که این یک اعتبار مصوب و آماده است و بطوری که از مذاکرات شفاهی استنباط شده گرفتن هر گونه وام دیگری فورمالیته‌هایی دارد که نتیجه آن بزودی حاصل نمی‌شود و الا مقصود گرفتن هدیه و کمک بلاعوض نیست و هر کارگشائی فوری بفرمائید از اولین برداشت عایدات نفت ما استرداد خواهد شد.

تأکید پیش از این را زائد دانسته و انتظار دارد در صورت امکان از تصمیمی که اتخاذ می‌فرمائید این جانب را قبل از حرکت از واشنگتن قرین استحضار و امتنان فرمائید. در خاتمه لازم می‌دانم بار دیگر تشکرات صمیمانه خود را از مهمان‌نوازی دولت امریکا اظهار بدارم و اینک به این وسیله از آن حضرت خداحافظی کرده و ادعیه خالصانه خود را برای سلامت و سعادت ملت دوست امریکا تقدیم می‌دارد.

۲۱۸

تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
تلگراف

از	شماره	قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به	تلگراف	۴۰	۳			روز ۴ ماه ۹

حضرت آیه‌الله آقای میرزا سید حسن چهارسوقی ۳۰/۹/۲ تلگرافی شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید ضمن اظهار سپاسگذاری از مراسم حضرت آیه‌الله امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۱۹

تلگراف تشکر دکتر مصدق به ابوالقاسم امینی

جناب آقای ابوالقاسم امینی ۱۴۵۶۱ - ۱۳۳۰/۹/۲ تلگراف عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید - ضمن اظهار تشکر از احساسات بی‌آلایش و محبت بی‌پایان جنابعالی و حضرات آقایان محترم امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۲۰

نامه دکتر مصدق به غلامحسین رحیمیان

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ: ۳۰/۹/۵
شماره: ۲۳ ۱۲۸
پیوست

جناب آقای رحیمیان نماینده محترم سابق مجلس شورای ملی [!] از زحماتی که برای جمع‌آوری اسناد انتخاباتی دوره نهم تقنینیه که در شورای امنیت از آنها به نفع مملکت کاملاً استفاده شده و همچنین از نظارت دو ماهه‌ای که در طبع اوراق قرضه ملی نموده و از دریافت حق زحمت هم خودداری و به نفع صندوق کشور واگذار فرموده‌اید تشکر و به این وسیله از همت بلند و سعه صدر جنابعالی قدردانی می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۲۱

نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ: ۳۰/۹/۷
شماره -
پیوست -

جمعیت محترم اتحاد اسلام [!] از محبت صمیمانه که به ارسال یکدسته گل مطبوع از طرف آن جمعیت با حمیت ابراز شده بود امتنان حاصل شد. امیدوارم آن جمعیت به آرزوهای دینی خود رسیده و از ثمره اتحاد مسلمین و اعتلاء اسلام بهره‌مند باشند [.]

دکتر محمد مصدق

۲۲۲

تلگراف دکتر مصدق به جمةالاسلام سید محمدعلی انگجی

جناب آقای سید محمد علی انگجی [!]
وصول تلگراف موجب زیادت تشکر و امتنان گردید. از خداوند برای همگی توفیق خدمت
می طلبم.

دکتر محمد مصدق

۲۲۳

تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف اهالی اصفهان

توسط جناب آقای صاحب قلم، حضرات آقایان محترم [!] ۳۴۲ - ۳۰/۹/۲ وصول تلگرام
موجب نهایت تشکر و امتنان گردید، از خداوند برای همگی توفیق خدمت می طلبم.
دکتر محمد مصدق

۲۲۴

تلگراف دکتر مصدق به مهندس روحانی

آقای مهندس روحانی کبیه استانداری ۲۹ - پول صورت کارکرد شماره ۴ وسیله بانک در ظرف
همین چند روزه به شرکت آراسته پرداخت می شود. مهندس گزین کلد و مقاطعه کار فوراً به
اصفهان عزیمت و قول دادند دستور شروع عملیات را بدهند. مراقبت و نظارت لازم را نموده
نتیجه را گزارش دهید.

مصدق

۲۲۵

نامه دکتر مصدق به شمس‌الدین عالمی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۳۰/۹/۱۷

شماره: ۲۳ ۹۵۰

پیوست

آقای شمس‌الدین عالمی مستشار دادگاه استان ۱ و ۲ [!]

به جنابعالی مأموریت داده می شود که راجع به واقعه روز پنجشنبه چهاردهم آذر ۱۳۳۰

بازرسی و تحقیقات لازم برای روشن شدن قضیه به عمل آورده نتیجه را زودتر به اینجانب
گزارش فرمایید
دکتر محمد مصدق
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۲۶

جواب دکتر مصدق به نامه استاد دهخدا

استاد دانشمند، جناب آقای علی اکبر دهخدا دامت‌افاضاته
نامه شریف عز وصول ارزانی داشت. از مضامین عالیۀ آن بهره‌مند و از الطاف کاملاً متشکر
شدم. اگر سزای در موفقیت این جانب در قسمتی از آمال ملی باشد مرهون پشتیبانی اعلیحضرت
شاه و محبت و خوش‌بینی افرادی مانند جنابعالی و قاطبۀ ملت بوده است. علاوه بر آنکه حسن
درایت و شجاعت پادشاه مهربان، مستلزم حسن کفایت و شهامت کارکنان دولت است. در
ممالک دموکراسی نیک و بد دولتها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و
خردمندان ملت‌ها است که در رأس آنها باز شخص شخص شاه قرار دارند. ضمناً از مراتب قدرت
و رادمردی جناب عالی متشکرم که در عین بحران منافع و فقدان منابع مالی با ارسال چک
یکصد هزار ریال در کمک به آمال ملی پیشوا شده‌اید، اما به مناسبت نزدیکی ایام انتشار اوراق
بهادار قرضه ملی، اجازه می‌خواهم که آن را مسترد کنم تا در موقع خود معادل آن از اوراق
خریداری فرمائید. قطع دارم که آثار این ایثار در پیشرفت منویات ملی بسیار خواهد بود.
دکتر محمد مصدق

۲۲۷

تلگراف دکتر مصدق به دکتر محیی

جناب آقای دکتر عبدالحسین محیی - ۱۲۱۲ - ۹/۵ وصول تلگرام موجب نهایت تشکر و امتنان
گردید از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.
دکتر محمد مصدق

۲۲۸

جواب دکتر مصدق به استعفانامه دکتر سیدحسین فاطمی از معاونت نخست‌وزیر به
منظور شرکت در انتخابات دوره هفدهم تقنینیه

جناب دکتر فاطمی [!]

وصول نامه جنابعالی موجب تأسف بسیار گردید و حاکی از این بود که یک نفر همکار

صدیق خود را از دست می‌دهم لذا بدین وسیله از زحمات جنابعالی در دوره همکاری رضامندی خود را اعلام و از اینکه استعفای شخصی فعال و کاردانی مثل جنابعالی را قبول می‌کنم بسیار متأسفم و از خداوند توفیق شما را همیشه در خدمات عمومی مسئلت می‌نمایم.

نخست‌وزیر - دکتر مصدق

۲۲۹

تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به دکتر فالّاح

آقای دکتر فالّاح مشاور فنی هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران [!] بدین وسیله از خدماتی که از بدو شروع کار هیئت مدیره موقت تا حال انجام داده و زحماتی که برای راه انداختن قسمتی از دستگاه تصفیه‌خانه آبادان تحمل نمودید و موفقیت‌هایی که بحمدالله در این راه بدست آورده‌اید قدردانی نموده امیدوارم در انجام وظائف سنگینی که در این امر خطیر ملی بعهدہ شما واگذار گردیده کماکان کوشا بوده و موفقیت‌های بیشتری تحصیل نمائید.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۳۰

مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی

نشان شیر و خورشید

نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۱۱

خدمت‌ذی‌رفعت حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ علی مدرس تهرانی مشرف شود بعرض عالی می‌رساند:

بعد از استعلام از سلامتی وجود مبارک از اینکه قبول ریاست انجمن نظار انتخابات تهران بعبارۀ آخری از اینکه برای تحکیم اساس مشروطیت و تجدید بنیان شورای ملت قبول زحمت فرموده و بتمام علاقمندان بسعادت مملکت در این موقع حساس درس عمل مرحمت فرموده اید تشکر و امتنان دارم و متأسفم که بواسطۀ کسالت مزاج تا حال به درک فیض محضر عالی توفیق نیافته و لیس علی مریض حرج را وقایه این عدم توفیق قرار داده‌ام. از خسارتی که جهال و لگرد وارد آورده و اعمال عصر جاهلیت را تکرار کرده‌اند تأسف زیادی روی داد، ولی با مقام شامخ روحانی آن جناب این قبیل پیش‌آمدها تازگی ندارد و همیشه پیشوایان و راهنمایان عامه

بشر در معرض این قبیل حوادث بوده‌اند. از خداوند مسئلت می‌کنم که برای رفاه و سعادت جامعه بر طول عمر حضرت‌تعالی بیفزاید و عموم را از برکات و وجود مبارک برخوردار فرماید.
دکتر محمد مصدق

۲۳۱

نامه دکتر مصدق به وارن رئیس اصل چهار در ایران

«دولت ایران موافقت می‌نماید که برای انجام مسئولیت‌ها و وظایفی که از برنامه‌های همکاریهای فنی برای دولت کشورهای متحده آمریکا ناشی می‌شود، یک هیئت مخصوص همکاری فنی از کشور نامبرده پس از آن که دولت کشورهای متحده مراتب را اعلام نمود، بپذیرد و دولت ایران تا آخرین حد امکان به موجب قانون اساسی ایران و سایر قوانین موجود، این هیئت مخصوص و کارمندان آن را جزء هیئت سیاسی کشورهای متحده آمریکا در ایران خواهد شناخت تا از مزایا و مصونیت‌هایی که به هیئت‌های سیاسی و کارمندان او داده می‌شود با تطبیق درجات آن برخوردار گردند.»

۲۳۲

جواب دکتر مصدق به تلگراف حجة الاسلام انگلی

جناب آقای سید محمد علی انگلی [!]
وصول تلگراف موجب زیادت تشکر و امتنان گردید. از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۲۳۳

تلگراف آقای دکتر مصدق به آقای حاجی غفار راجع به خرید اوراق قرضه ملی

جناب آقای حاجی غفار، ۱۷۵۰
تلگراف گرامی واصل، موجب نهایت امتنان گردید. ضمن تشکر از احساسات و وطن‌پرستانه جنابعالی امیدوارم از این احساسات عالی در خیر صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۳۴

تلگراف دکتر مصدق به جبهه ملی آذربایجان

جبهه محترم ملی آذربایجان
از احساسات پاک و بی‌آلایش کمال تشکر و امتنان حاصل است. امیدوارم از این احساسات
عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۳۵

تلگراف دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی

جمعیت محترم وحدت ملی
از احساسات پاک و بی‌آلایش کمال تشکر و امتنان حاصل است. امیدوارم از این احساسات
عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود [۰].
دکتر محمد مصدق

۲۳۶

بخشنامه دکتر مصدق به استانداران و فرمانداران

به کلیه استانداران و فرمانداران - رونوشت رؤسای شهربانی [۱]
طبق اطلاعات واصله در بعضی از نقاط مملکت موقع تبلیغات انتخاباتی مبارزین متوسل به
سلاح گرم و سرد شده موجبات اختلال نظم و امنیت عمومی را فراهم نموده‌اند در صورتیکه
تبلیغات و مبارزات انتخاباتی صرفاً باید از راه نطق و خطابه و اعلام باشد بنابراین مقتضی است
مأمورین انتظامات در هر نقطه ملاحظه کنند که همراه مبارزین انتخابات هر نوع اسلحه اعم از
گرم و سرد وجود دارد جداً آنها را ضبط نموده و برطبق مقررات قانونی با آنها رفتار نمایند.
نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۳۷

نامه دکتر مصدق به غضنفر علیخان سفیر کبیر پاکستان

جناب آقای غضنفر علی خان سفیر کبیر پاکستان دام‌اجلاله
مسافرت آن جناب در این ایام حساس بی‌نهایت در این جانب تأثیر ملال‌انگیز داشت ولی

بیانات سحرآسای جنابعالی در تشدید روابط ایران و پاکستان بلکه قاطبه ملل مسلمان رفع ملال کرد و روحی در کالبد عموم علاقمندان بوجود آورد و این‌جانب را بیشتر به زیارت و درک فیض ملاقات جناب‌عالی مشتاق ساخت.

اگر باید روزی ملل اسلامی عظمت و سعادت‌ی را که دین مبین اسلام به آنها نوید داده دریابند لازم است در طلیعه آن رجالی کاردان و علاقمند به وحدت و یگانگی مانند آن وجود بی‌مانند بوجود آیند و راه مطلوب را با گفتار و کردار بر آنها بگشایند.

این‌جانب بنام ملت و دولت ایران از این زحمات شایسته سپاسگزاری نموده و پاداش این شهامت و حسن درایت را از لطف و عنایت خداوند متعال برای آن جناب مسئلت می‌نمایم.
نخست‌وزیر ایران - دکتر محمد مصدق

۲۳۸

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف آقای احمد نجد سمیعی

آقای احمد نجد سمیعی (!) از احساسات پاک و بی‌آلایش شما کمال تشکر و امتنان حاصل است، امیدوارم از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۳۹

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۱۱/۲۹

شماره ؟

پیوست دارد

ریاست محترم مجلس شورای ملی

رونوشت نامه دانشمند محترم جناب آقای علی‌اکبر دهخدا و رونوشت نامه‌ای که در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۰ بعنوان کمیسیون معارف مجلس شورای ملی نوشته‌اند جهت استحضار بضمیمه فرستاده می‌شود متمنی است دستور فرمائید سوابق موضوع را ارسال دارند تا روشن شود چه اقدامی می‌توان نمود. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

از حسابداری مجلس توضیح خواسته شود آیا وجهی بابت فروش کتاب امثال و حکم آقای دهخدا موجود

است. گزارش جامعی تهیه شود تا پاسخ جناب آقای نخست‌وزیر ارسال گردد.

رضا حکمت - ۳۰/۱۲/۳۰

احتراماً عرض می‌شود این کار راجع به کمیسیون معارف و ریاست آن با جناب آقای حکیم‌الملک است، مربوط به اداره حسابداری مجلس نیست. کمیسیون معارف هم کمیونی است در خارج، ربطی به کمیسیون معارف مجلس ندارد. در صورت احتیاج مطلب را به جناب آقای حکیم‌الملک مراجعه خواهند فرمود. امضاء

۲۴۰

مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۱۱/۳۰

خدمت ذی‌رفعت حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ علی مدرس تهرانی مشرف شود

بعرض عالی می‌رساند

پس از عرض ارادت و استعلام از صحت وجود شریف مصدق می‌شود: بسیار آرزومند بودم که شخصاً برای درک فیض حضور و تشکر از قبول و تحمل زحماتی که در تثبیت امور انتخابات تهران فرموده‌اید خدمت عالی برسم ولی متأسفانه بواسطه کسالت و ضعف مزاج که همواره مرا در بستر نگاه می‌دارد این سعادت میسر نشد. اثرات عالی‌های که از قبال وجود مبارک در بزرگترین امر ملی کشور بظهور رسید بیش از پیش ثابت و روشن ساخت که ارشادات و افاضات روحانیت همواره در راهبری ملت و مساعدت دولت در راه وصول به مقاصد صالحه ملی مؤثرترین عوامل می‌باشد و از جهت اینکه دولت این‌جانب از این عامل معنوی و روحانی بهره‌مند گردیده جای بسی تشکر و امتنان است. از خداوند بقای نعمت و وجود عالی را برای ملک و ملت ایران مسئلت می‌نمایم. ارادتمند دکتر محمد مصدق

۲۴۱

جواب دکتر مصدق به تلگراف همدردی نحاس پاشا پس از

حادثه ترور دکتر سیدحسین فاطمی

از ابراز تأثر و همدردی جنابعالی نسبت به حادثه سوء قصد نسبت به دکتر فاطمی بسیار سپارگزارم. خوشبختانه همانطور که لطف خداوند همواره شامل حال خدمتگزاران صمیمی میهن بوده است این بار نیز با لطف ایزد متعال خطر مرتفع شده است و بطوریکه پزشکان معالج اظهار می‌دارند دکتر فاطمی بهبودی قطعی و کامل خواهد یافت.

۲۴۲

نامه دکتر مصدق به اللهیار صالح

جناب آقای اللهیار صالح وزیر محترم کشور [!] راجع به انتخابات قم، آقای محترم رضوی نامه‌ای به این جانب نوشته‌اند که برای اطلاع و استحضار و اقدام مقتضی ارسال می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۲۴۳

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۱۲/۱۴
شماره ۳۵۱۹۴

جناب آقای مهندس حسینی [!] تمنا می‌کنم برای استماع گزارش آقای پرودم عضو بانک بین‌الملل و تعیین جلسات بعدی فردا پنجشنبه چهار بعدازظهر در جلسه‌ای که در باشگاه افسران تشکیل می‌شود شرکت فرمائید.
نخست‌وزیر
دکتر محمد مصدق

۲۴۴

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۱/۱۲/۱۷
شماره ۳۵۷۸۸
پیوست -

جناب آقای مهندس حسینی [!] خواهشمندم جلسه هیئت مختلط را در ساعت شش بعدازظهر فردا (یکشنبه ۱۳۳۰/۱۲/۱۸) در منزل این جانب تشکیل فرمایند.

نخست‌وزیر
دکتر محمد مصدق

۲۴۵

تلگراف دکتر مصدق به اصفهان

توسط آقای احمدی کفیل استانداری - حضرات آقایان محترم ۳۰/۱۲/۲۸، ضمن تشکر از احساسات آقایان محترم و عرض تبریک امیدوارم سال نو برای همه هموطنان سال سعادت و نیک‌بختی باشد و تحت توجهات خداوند متعال همگی در خدمت به وطن عزیز موفق شویم.
دکتر محمد مصدق

۲۴۶

نامه دکتر مصدق به شعبه دوم مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۱/۲/۱
شماره ۱۸۴۶
پیوست -

مجلس شورای ملی - شعبه دوم

از روزی که مجلسین شورای ملی و سنا تشکیل دولت را بعهدہ این جانب محول فرموده‌اند برای اینکه افکار عمومی پشتیبان دولت باشد چندبار درخواست رأی اعتماد نمود تا چنانچه افکار عمومی با عملیات دولت موافق نباشد رأی تمایل به کسی داده شود که مردم از آن پشتیبانی کنند و قبل از اینکه رأی اعتماد اخیر درخواست شود این جانب حاضر نبود که با قانون فعلی متصدی انتخابات دوره هفدهم تقنینیه شود ولی چون آرزوی بیگانگان این بود که یک فترت طولانی پیش آید تا بتوانند روی اعمال دولت خط بطلان بکشند، از کار کنار نرفته با نهایت افتخار بوظایف خود عمل نمود و با همین قانون ناقص شروع به انتخابات کرد و اینطور تصور می‌شد اگر مأمورین مؤثر در انتخابات هر حوزه بقید قرعه تعیین شوند از دخالت‌های نامشروع جلوگیری خواهد شد. ولی متأسفانه باید بعرض برساند که دولت با نهایت جدیتی که بخرج داد آنطوری که انتظار داشت توفیق حاصل نکرده و دلایل عدم موفقیت ذیلأ بعرض می‌رسد.

(۱) عده‌ای از مأمورین که با قید قرعه معین شده بودند نتوانستند از عادات دیرینه خود صرفنظر کنند و از تجاوز بحقوق عمومی خودداری نمایند.

(۲) در ادوار گذشته انجمن‌های نظارت نمی‌توانستند برخلاف نظریات دولت تصمیمی اتخاذ کنند و آنها روی این اصل انتخاب می‌شدند که با انتخاب اشخاصی که دولت موافق بود موافقت کنند ولی در این دوره که انجمن‌ها آزادی عمل داشتند در بعضی نقاط که احتیاج بذکر آنها نیست، زیرا همگی از آن مطلع هستند از اختیارات ماده (۱۷) قانون انتخابات سوء استفاده نموده و

تصمیماتی برخلاف حق گرفته‌اند مثلاً بجای اینکه آراء مشکوک را باطل کنند صندوقهای که دارای هزاران رأی بودند ابطال کرده و حق مردم را تضييع کرده‌اند.

۳) اعمال نفوذ بعضی اشخاص سبب شد که انجمن‌های نظارت نتوانند بوظایف قانونی خود عمل کنند، نتیجه تخلفاتی که بعرض رسید این شد که اشخاصی عنوان نمایندگی بخود بستند که یا معروفیت محلی نداشتند و هیچ کس بهیچ عنوان نمی‌تواند آنها را به حوزه‌ای که مدعی نمایندگی آن هستند ارتباط دهد و یا دارای چنان سوابقی هستند که مردم نه فقط راضی به نمایندگی آنها نیستند بلکه از شنیدن نام آنها هم تنفر دارند.

دولت با قانون فعلی نمی‌توانست از اعمال خلاف قانون جلوگیری کند زیرا برطبق ماده (۱۷) فقط «انجمن‌های نظارت هر حوزه انتخابیه در تحت نظارت حاکم محل متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات آن حوزه» می‌باشند و پس از تشکیل انجمن هم دولت بهیچ وجه نمی‌تواند در کار آنها دخالت کند و فقط «در موردی که اسباب تعطیل یا تعویق جریان انتخابات واقع گردند» می‌تواند آنها را منحل نماید.

لذا همانطوری که بعرض رسید دولت نتوانست از تجاوزات متخلفینی که به آنها اشاره شد جلوگیری کند و در نتیجه انتخابات بعضی از حوزه‌ها بصورتی درآمد که مورد اعتراض شدید مردم است. اکنون که مملکت از خطر فترت نجات یافته و مقدرات کشور بدست اکثریت بزرگی از نمایندگان حقیقی ملت سپرده شده مجلس بخوبی می‌تواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد و اشخاصی که نماینده حقیقی مردم نیستند و برخلاف حق در بین نمایندگان وارد کرده‌اند رد کند.

تأثیر این اقدام خداپسندانه مجلس فقط به این منحصر نیست که چند تن از اشخاصی که نام نمایندگی روی آنها گذارده شده از صف نمایندگان حقیقی خارج شوند بلکه اثر مهم آن در حسن جریان بقیه انتخابات خواهد بود و چه در بسیاری از نقاط یا انتخابات هنوز شروع نشده و یا اگر شروع شده ناتمام است و اگر مجلس شورای ملی که محکمه نهائی رسیدگی به شکایات است پرونده‌های مورد اعتراض را بدقت مورد توجه قرار دهد و غاصبین حقوق عمومی را طرد نماید دیگران حساب کار خود را خواهند کرد و از اعمال نفوذ نامشروع و تشبثات بی‌حد و حصر خودداری خواهند نمود و در غیر این صورت بهیچ وجه نباید انتظار داشت که بقیه انتخابات برفع مردم تمام شود و مجلس هفدهم که وظایف سنگینی را عهده‌دار است بتواند جلب اعتماد مردم را نموده و خود را نماینده حقیقی ملت ایران بدنیا معرفی کند.

بنابر این مقدمات، وظیفه خود دانستم خاطر نمایندگان حقیقی ملت را به نکات مذکوره توجه دهم و از آنها در احقاق حق ملت ایران استمداد نمایم. امیدوارم نمایندگان مجلس هفدهم از همین ابتدای کار شهامت و شجاعت و حق‌پرستی خود را نشان دهد و قریباً بهمت و کاردانی آنها اصلاحاتی که منظور نظر ملت ایران است از جمله اصلاح قانون انتخابات بعمل آمده و نام

نیکی در تاریخ مشروطیت ایران از خود به یادگار گذارند.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۴۷

تلگراف دکتر مصدق در جواب تبریک عید مبعث به جمعی از اهالی همدان

توسط آقای نقیب حضرتی

حضرات آقایان محترم

۲۷۳ - ۳۱/۲/۱ تلگراف گرامی واصل و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید این جانب هم تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم دکتر محمد مصدق برآورده شود.

۳۱/۲/۱۱

۲۴۸

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۱/۲/۳۱

شماره ۴۹۷/۴

جناب آقای مهندس حسینی نماینده محترم مجلس شورای ملی [!]

با ارسال رونوشت نامه ۳۰۴۷ - ۱۳۳۱/۲/۲۷ هیئت مختلط نفت راجع به اسنادی که از اداره اطلاعات شرکت سابق نفت بدست آمده و از قرار معلوم بعضی از آنها حاوی اطلاعاتی در باب اداره امور صنعت نفت می‌باشد. خواهشمند است اوراق و اسناد مزبور را ملاحظه و آنچه را که مربوط به امور فنی است تفکیک و برای استفاده در اختیار هیئت مختلط بگذارند.

نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق

۲۴۹

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف پشتیبانی پزشکان و کارمندان بهداری استان دهم

توسط جناب آقای دکتر رئیسی حضرات آقایان محترم ۲۱۶۸ - ۳/۲ وصول تلگرافی موجب نهایت امتنان گردیده ضمن تشکر از احساسات و الطاف آقایان محترم امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال در خدمت به وطن عزیز موفق گردیم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۰

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف انجمن زرتشتیان یزد

انجمن زرتشتیان [!]

تلگراف گرامی واصل و موجب نهایت تشکر و سپاسگذاری گردید. امیدوارم با تأییدات خداوند متعال و با مقاومت هموطنان به آرزوهای مشروع خود نائل شویم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۱

نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام

تاریخ ۳۱/۴/۴

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

توسط جناب آقای کیوان - جمعیت محترم اتحاد اسلام [!]

پاسخ نامه مورخ چهارم تیرماه ۱۳۳۱ اشعار می‌گردد: از ابراز احساسات بی‌شائبه آن جمعیت محترم بدین وسیله اظهار امتنان و تشکر نموده و امیدوار است با تأییدات الهی عموم هموطنان عزیزم در این مبارزه ملی پیروز و موفق گردند، از خداوند متعال توفیق خدمت می‌طلبم [.] [امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۵۲

تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	قبض تلگراف	شماره	از
روز	ماه						به
۵	۴						

حضرت آیت‌الله آقای چهارسوقی [!]

وصول تلگراف موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال و با مقاومت مردانه هموطنان عزیز به آرزوهای مشروع خود نایل شویم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۳

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف حضرات آقایان

توسط جناب آقای اسکندری - حضرات آقایان محترم ۴-۱۲-۴/۳ وصول تلگرافی موجب نهایت تشکر و امتنان گردید [۰]. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال و با مقاومت مردانه هموطنان عزیز به آرزوهای مشروع خود نائل گردیم [۰].

دکتر محمد مصدق

۲۵۴

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

۱۹ تیرماه ۱۳۳۱

مجلس مقدس شورای ملی

بعد از عرض تشکر و امتنان از رأی تمایل مجلس شورای ملی چون پس از رأی مزبور اوضاع بنحویست که قبل از تصمیم لازم است مذاکراتی بعمل آید مستدعی است عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم از طرف مجلس شورای ملی این جانب را سرافراز فرمایند تا در باب اوضاع مملکت و تصمیم لازم مشورتی بشود.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۲۶۵۵

ساله ۱۳۳۱/۴/۱۹

۲۵۵

جواب دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری

قسم

حضور محترم حضرت آیت‌الله خوانساری دامت برکاته
تلگراف شریف که ضمناً مبشر سلامتی آن حضرت بود عز وصول بخشید و موجب مسرت گردید [۰]. البته در تعیین وزیر فرهنگ تأمین نظر آن جناب خواهد شد. ملتسم دعا هستم.
دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر

۲۵۶

تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
تلگراف

تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	قبض	شماره	از کاخ
ماه	روز		۲۷	۳۹	تلگراف		به تهران
۴	۲۷						

حضرت آیت‌الله میرزا سید حسن چهارسوقی تلگراف شرف وصول بخشید. ضمن اظهار تشکر از مراجع حضرت آیت‌الله امیدوارم توجهات خداوند متعال در خدمت وطن عزیز موفق و کامیاب شود. دکتر محمد مصدق

۲۵۷

نامه تشکر و قدردانی دکتر مصدق از سر تیپ کمال توسط سپهبد یزدان‌پناه

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲
شماره ۷۱۹۰
پیوست -

تیمسار سپهبد یزدان‌پناه رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی بمناسبت مراقبتی که تیمسار سر تیپ کمال فرماندار نظامی آبادان در حوزه مأموریت خود برای استقرار نظم نشان داده و روزهای متشنج نهضت ملی را بدون هیچ حادثه [ای] برگزار نموده است دستور فرمائید از طرف این جانب از زحمات ایشان قدردانی لازم بنمایند.

نخست‌وزیر

رونوشت برای اطلاع تیمسار سر تیپ کمال فرماندار نظامی آبادان ارسال می‌گردد.

نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۵۸

جواب دکتر مصدق به نامه مدیر نشریه اتحاد ملی

خصوصی است.

به تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۳۱

قربانت گردم؛ مرقومه محترمه و روزنامه عز وصول ارزانی بخشید مورد مطالعه و موجب

نهایت امتنان گردید. تشکرات خود را تقدیم و موفقیت جنابعالی را در خدمت به میهن خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۲۵۹

پاسخ دکتر مصدق به یک تلگراف توسط ابراهیم نبیل سمیعی

حضرات آقایان محترم

شماره ۳۱/۵/۲ ۱۱۱۵۴۸

وصول تلگراف گرامی موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی به خیر و صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۶۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه نوری السعید

جناب آقای نوری السعید [!]

مرقومه محترمه شرف و وصول بخشید و موجب ازدیاد مراتب و داد گردید. کلام الله نفیسی که به زیارت آن موقم فرموده‌اید کمال علاقه آن جناب را به مبادی تعالیم اسلامی تثبیت و مجاهدت دولت اسلامی عراق را در نشر حقایق دینی تأیید می‌نماید. امیدوارم با هدایت آن جناب و سایر پیشوایان دینی مسلمین شاهره نجات را پیموده و به مقامی که شایسته پیروان قرآن است نائل شوند و به تمام آرزوهای ملی خود برسند.

دکتر محمد مصدق

۲۶۱

تلگراف دکتر مصدق به آیه الله چهارسوقی

شماره کتاب ۱۰۹۸

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

گیرنده
سال ۱۳۳

از	شماره	قبض ۵۶۰	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به		تلگراف	۴۵	۵		روز ماه
						۵ ۵

حضرت آیت الله آقای چهارسوقی ۵۰۴ - ۳۱/۵/۱ تلگراف واصل و موجب نهایت امتنان

گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۶۲

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیه‌الله کاشانی

ششم مردادماه ۱۳۳۱

به عرض می‌رساند [!؛] مرقومه محترمه شرف و وصول ارزانی داد. نمی‌دانم در انتخاب آقای سرلشگر وثوق و آقای دکتر اخوی که بدون حقوق برای خدمتگزاری حاضر شده‌اند و همچنان آقای نصرت‌الله امینی که از فعال‌ترین اعضای نخست وزیری هستند حضرتعالی چه عیب و نقصی مشاهده فرموده‌اید که مورد اعتراض واقع شده‌اند. بنده صراحتاً عرض می‌کنم که تا کنون در امور اصلاحی عملی نشده و اوضاع سابق واقعاً تغییر ننموده است و چنانچه بخواهند اصلاحاتی بشود باید از مداخله در امور مدتی خودداری فرمایند، خاصه اینکه هیچ‌گونه اصلاحاتی ممکن نیست مگر اینکه متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد. اگر با این رویه موافقت بنده هم افتخار خدمتگزاری را خواهم داشت و الاً چرا حضرتعالی از شهر خارج شوند، اجازه فرمایند بنده از مداخله در امور خودداری کنم. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۶۳

جواب دکتر مصدق به مکتوب آیت‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج

تاریخ ۳۱/۵/۲۱

شماره ۱-۶۲۶

پیوست -

عرض می‌شود [!؛] پاسخ نامه مورخ ۳۱/۵/۹ در مورد مسافرت به حج [با] مشکلات زیادی که نسبت به ارز موجود بود ترتیبی داده شد که عده زیادی امسال مشرف خواهند شد.

نخست‌وزیر

دکتر محمد مصدق

۲۶۴

جواب دکتر مصدق به نامه آیت‌الله کاشانی

نشان و شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

به عرض عالی می‌رساند؛ مرقومه مبارکه توسط آقای گرامی زیارت شد. اولاً انتخاب آن

جناب را به ریاست مجلس شورای ملی تبریک عرض می‌کنم. راجع به حجاج هم مطلب همانطور است که مرقوم فرموده‌اید. از طرف نمایندگان محترم مجلس هم دیروز تذکراتی در این باب داده شده است. از طرف بعضی آقایان علماء اعلام کشور هم نیز تاکیداتی نموده‌اند. امیدوارم در همین دو روزه تصمیم قاطع دولت معلوم و به عرض عالی برسد.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۶۵

جواب دکتر مصدق به حسین ضرابی

جناب آقای حسین ضرابی ۲۲۳۹ - ۳۱/۵/۲۲ تلگراف واصل و موجب نهایت امتنان گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۶۶

نامهٔ دکتر مصدق در پاسخ توتونکاران گیلان

آقای یوسف عربانی و سایر آقایان [!] طومار تنظیمی به وسیلهٔ آقایان دائر به ابراز احساسات ملی و پشتیبانی از دولت، توسط جناب آقای دادور نمایندهٔ محترم مجلس شورای ملی واصل گردید. از حسن نیت و احساسات وطن پرستانهٔ آقایان، کمال تشکر و امتنان حاصل است؛ امید است که کشور ایران، همواره از این احساسات ملی و مقدس، برخوردار بوده با عنایات الهی و پشتیبانی افکار عمومی، در کلیهٔ امور، پیوسته قرین پیروزی و موفقیت باشد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۶۷

تلگراف دکتر مصدق به رئیس هیئت نمایندگی ایران در هفتمین دورهٔ مجمع عمومی - ملل متحد

۲۲ مه‌ماه ۱۳۳۱

چون یکی از هدفهای اساسی سیاست خارجی دولت اینجانب همراهی و کمک به ممالکی است که برای حفظ استقلال و حق حاکمیت خود مجاهده می‌نمایند، در این موقع نیز که موضوع مراکش و تونس در مجمع مورد مذاکره قرار خواهد گرفت، صریحاً دستور داده می‌شود که هیئت نمایندگی ایران حداکثر مساعدتهای ممکنه را برای تحصیل استقلال و حاکمیت ممالک محروم افریقایی به عمل آورد و ضمناً اگر لازم باشد چون ممالک مزبور نماینده در

مجمع ندارند، رسماً اعلام دارند که دولت ایران حاضر است صدای مظلومانه آنها را از پشت تریبون مجمع به گوش جهانیان برساند. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۶۸

نامه دکتر مصدق به یک جوان آبادانی

فرزند عزیزم نعمت‌الله اقبالی [!]

پرورشگاه شیر و خورشید آبادان

نامه مورخ ۳۱/۷/۲۰ و نمونه کشتی نفتکش که در نتیجه استعداد جبلی و زحمات شما است واصل گردید، با اظهار خرسندی نسبت به کوششی که در راه تحصیل می‌نمائید و مساعی و مراقبت‌هایی که اولیاء پرورشگاه در این زمینه معمول می‌دارند احساسات و عواطف بی‌شائبه و هوش و قریحه سرشار شما را صمیمانه تقدیر می‌کنم. امید است با همت و پشتکار و کوشش فرزندان صالح و فعال کشور در راه کسب معرفت روزی فرارسد که نمونه‌های واقعی کشتی و سایر صنایع سنگین در داخله کشور ساخته شود؛ ضمناً قطعه عکس مورد تقاضا به پیوست فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر - دکتر مصدق

۲۶۹

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

بر اثر پیشامد یک سلسله مسائل داخلی و خارجی که دولت از نظر حفظ مصالح و منافع کشور ناگزیر از انجام آن بود و اخذ تصمیماتی که در نتیجه فراهم شدن زمینه برای شروع به اصلاحات اساسی در شئون مختلف کشور ضروری می‌نمود با توجه به گزارشهایی که از مقامات مسئول تامینی و انتظامی راجع به اوضاع عمومی و شیوع تحریکات دنباله‌داری را از طرف عمال بیگانه و ایادی آنها تائید می‌کرد به منظور حفظ امنیت کلیه نقاط کارگری و بنگاه‌ها و ادارات دولتی و جلوگیری از اعتصاب غیرقانونی و عصیان و تمرد و اخلال در نظم و آرامش در سراسر کشور، موادی به این جانب پیشنهاد شد که موافقت با آنان را با در نظر گرفتن مقتضیات وقت از لحاظ حفظ آزادی افراد و تامین امنیت اجتماع سودمند تشخیص داده و لازم دانستم با جرح و تعدیل در آن مواد به صورت لایحه قانونی امنیت اجتماعی که به استحضار آقایان نمایندگان محترم رسیده و متن آن نیز در تاریخ ۳۱/۸/۵ برای استحضار مجلس شورای ملی ارسال گردیده به موقع اجراء گذاشته شود و با اینکه عملاً در مدت قلیل اجراء آن برای جلوگیری بسیاری از مفاسد استفاده شد و نتایج خوبی هم در حفظ امنیت عمومی داشته و خوشبختانه تا آنجا که دولت اطلاع دارد در هیچ مورد هم از مقررات آن سوءاستفاده به عمل نیامده متأسفانه از

طرف عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم به جهاتی که بیان فرموده‌اند و کلیاتی را شامل بوده است راجع به مقررات لایحه قانونی مزبور اظهار نگرانی شده است. یک قسمت از اظهار نگرانی آقایان مربوط به ادامه مقررات مزبور برای یک مدت متمادی می‌باشد که این موضوع در ضمن لایحه قانونی پیش‌بینی و تصریح شده است. که مدت اعتبار آن برای سه ماه از تاریخ انتشار است. و قید سه ماه برای آن بوده که موهم تمادی اجراء مقررات مزبور نباشد. به علاوه به طوری که در فوق به استحضار رسید از نظر پیش آمد مسائلی بوده که بنابر مصالح و مقتضیات کشور دولت ناگزیر با آن مواجه می‌شده و اگر پیش‌بینی‌های لازم را در موقع خود نمی‌کرد محتملاً با مشکلات بیشتری که بالمآل به زیان کشور تمام می‌شد، مواجه می‌گشت.

قسمت دیگر از اظهار نگرانی آقایان دربارهٔ وضع نظائر این مقررات در آینده و سوءاستفاده از آن به دست دولتهای دیگر است. در این مورد هم بدیهی است پس از انقضاء مدت سه ماه، هیچ دولتی نمی‌تواند از موارد لایحه مزبور که اعتبار قانونی آن مقتضی شده است. استفاده نماید. مگر آنکه مجلس شورای ملی اجراء نظائر این مقررات را در موقعی معین و برای موردی که ضروری تشخیص فرمایند لازم بدانند و قانونی نظائر این لایحه قانونی وضع بفرمایند. علاوه بر مطالبی که در فوق به استحضار رسیده موارد دیگر نیز وضع مقررات این لایحه قانونی را ایجاب می‌نماید که در ذیل به استحضار می‌رسد:

(۱) نواقصی که در تشکیلات دوائر دولتی ما موجود می‌باشد. این نواقص موجب آن شد که دستگاههای دولتی به وضع اطمینان‌بخش نمی‌توانند و وظائف خود را انجام دهند. بر اثر همین نواقص تشکیلات است که یک نفر متهم باموجود بودن قرائن بر توجه اتهام پس از اینکه با تدبیر مامورین انتظامی و تامینی دستگیر می‌شود پیش از آنکه به کیفر اعمال زشت و ناروای خود برسد به عنوان سپردن ضامن و غیر آن به انتظار رسیدن نوبت از دست مامورین رهائی پیدا کرده و در این فاصله‌ها با اطمینان خاطر به عدم تعقیب خود برای ادامه رفتار ناشایست و تعقیب مقاصد سوئی که دارد فرصت مجددی می‌یابد و در ضمن برای امحاء آثار جرائم سابق و خنثی کردن اقدامات که قانون برای تعقیب او مقرر داشته است به کار می‌برد.

(۲) برای اصلاحات اساسی که کشور نیازمند آن است بدیهی است پاره‌ای اصلاحات مورد نظر با منافع اشخاص زیادی که همیشه سد راه اصلاحات اساسی بوده‌اند اصطکاک پیدا می‌کند. در این صورت اگر اصلاحات صحیح و به موقع باشد و افراد بخواهند اوضاع را به نفع خود آشفته و اقدامات دولت را خنثی سازند البته دولت با استفاده از مقررات لایحه قانونی امنیت اجتماعی از سوءاستفاده آنان جلوگیری خواهد نمود و چنانچه عمل خلافی انجام ندهند هیچ مقامی مزاحم آنان نخواهد بود.

(۳) اوضاع حاضر که گزارشهای واصل به دولت چگونگی آن را آشکار می‌سازد قطعیت تصمیم و شدت عمل را در اجراء مقررات جاریه ایجاب می‌کرد البته نرمی و مدارا در موقع خود

بسیار مستحسن و پسندیده است ولی در غیر موقع زیان‌آور خواهد بود. خشونت‌ی که برای ارباب آزادی خواهان و اختناق مردم به عمل بیاید بسیار ناپسند است ولی وقتی برای حفظ آزادی عمومی باشد نباید موجب نگرانی افراد بشود. در حقیقت در لایحه قانونی امنیت اجتماعی این نکته در نظر گرفته شده است که مرتکبین جرائم اولاً به کیفر خود برسند و در ثانی به طور قطع در اسرع وقت و بی آنکه فرصت توطئه و مواضعه‌ای داشته باشند کیفر خود را ببینند.

این بود مختصری از آنچه وضع مقررات لایحه قانونی امنیت را ایجاب می‌کرد و دولت همانطور که پیش‌بینی کرده و تا این تاریخ هم عمل نموده است تا انقضاء اعتبار لایحه قانونی اجرای آن را ضروری می‌داند.

اینک لایحه امنیت اجتماعی را بر طبق ماده واحده قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ تلواً تقدیم می‌دارد.

نخست وزیر

۲۷۰

یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر
وزارت کشور

تاریخ ۳۱/۸/۲۷
شماره ۲۵۹۲۴
پیوست دارد

عین نامه مورخ ۳۱/۸/۲۲ آقای باقر موسوی مدیر چاپخانه موسوی شیراز به ضمیمه برای اقدام لازم قانونی فرستاده می‌شود.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۱

یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر
وزارت کشور

تاریخ ۱۳۳۱/۹/۶
شماره ۱۳۹۷۶
پیوست دارد
فوری است

رونوشت تلگراف شماره ۱۴۷ آقای فریدون توللی از شیراز که بوسیله جناب آقای دکتر شایگان نماینده محترم مجلس شورای ملی واصل گردیده است به ضمیمه فرستاده می‌شود. دستور فرمایند با توجه به مندرجات آن و سوابق این شکایت از استاندار و رئیس شهربانی در این خصوص توضیح خواسته تا زودتر جریان امر و نتیجه اقدام را اعلام دارند.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۲

نامه دکتر مصدق به نویسنده کتاب شهدای
سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ (آقای احمد جعفری)

۱۳۳۱/۹/۱۱

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

جناب آقای محترم

نامه شریفه مورخ ۳۱/۸/۲۰ و یک جلد کتاب (شهدای سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱) عز وصول
بخشید. احساسات میهن‌پرستانه شما و زحماتی که در جمع‌آوری اخبار و اطلاعات مربوط به
واقعه ۳۰ تیرماه متحمل شده‌اید موجب تقدیر و امتنان می‌باشد.
نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۳

نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی

جناب آقای امیرعلائی وزیرمختار دولت شاهنشاهی ایران در بروکسل [۱]
نامه شریف ضمیمه یک نسخه از متن فرانسه سخنرانی جنابعالی در باشگاه مستعمراتی و
بحری شهر بروز و اصل و موجب امتنان گردید. مساعی که در تهیه و ایراد این نطق بکار رفته
شایان تقدیر و تحسین می‌باشد. دستور داده شده است که متن مزبور بقارسی ترجمه و
خلاصه‌ای از آن بوسیله رادیو تهران نشر گردد - مقتضی است در صورتیکه برای هزینه چاپ و
طبع جزوه مزبور در بودجه سفارت محلی نباشد مبلغ آنرا تعیین نمایند تا نسبت بحواله آن اقدام
شود.

ضمناً بمنظور یادبود و پیاس قدردانی از اقدامات آقای پروفیسور رولن یک تخته قالی کار
اصفهان (که عکس آن نیز بضمیمه می‌باشد) از طرف دولت خریداری و بوسیله جنابعالی بایشان
اهداء می‌گردد. و چون شایع بود که جناب پروفیسور به ایران مسافرت خواهند نمود چهار عدد
قاب خاتم‌کار اصفهان از طرف کارگران کارخانه زاینده‌رود و دو عدد گلدان نقره نیز از طرف یک
نفر از اهالی تهران بوسیله اداره تبلیغات برای تقدیم به ایشان فرستاده شده است که آنها نیز
بوسیله جنابعالی در جعبه سربسته فرستاده شد در نامه اداره تبلیغات که ضمیمه است
خصوصیات و جزئیات امر در این باب تشریح شده است.

خواهشمندم به ترتیب که مناسب و شایسته بدانید نسبت به تسلیم اشیاء مزبور بایشان
اقدام بفرمائید. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۷۴

نامه دکتر مصدق به وزارت خانه‌های دادگستری و کشور و شهربانی

چون در نظر است برای اطلاع از چگونگی واقعهٔ اخیر قم و شکایت طلاب علوم دینیه و کشف مسببین جریان اخیر هیئتی مرکب از سه نفر مأمورین بصیر و مطلع وزارت خانه‌های کشور - دادگستری و شهربانی به محل عزیمت و موضوع را تحت رسیدگی قرار دهند مقتضی است نسبت به انتخاب و معرفی مأمورین بصیر و مطلع هرچه زودتر اقدام فرمائید که بعد از ظهر امروز هیئت سه نفری به محل عزیمت نمایند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۵

مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله بروجردی

خدمت حضرت آیت‌الله بروجردی دامت افاضاته
برای رسیدگی به جریان اخیر قم و شکایات طلاب علوم دینیه امروز عصر هیئتی مرکب از سه نفر از مأمورین عالی مقام وزارت خانه‌های دادگستری و کشور و اداره شهربانی کل به محل عزیمت خواهند نمود.
سلامت و سعادت و مزید توفیقات عالیّه را خواستارم.

دکتر محمد مصدق

۲۷۶

مضمون تلگراف دکتر مصدق به مراجع قم

به مناسبت این ضایعه اسلامی (فوت آیت‌الله حجت) از طرف آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر تلگرافاتی به قم به حضرت آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله صدر و آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری و حجت‌الاسلام آقای آقامرتضی حائری‌زاده مخابره شده و از رحلت حضرت آیت‌الله حجت ابراز تأسف گردیده و به آقایان حجج اسلام تسلیت گفته‌اند.

دکتر محمد مصدق

۲۷۷

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶
شماره ۳۸۴۱۶
پیوست -

مجلس شورای ملی

بجناب آقای دکتر ملک اسمعیلی معاون سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر دستور داده شده است روزهای یکشنبه هر هفته برای اصفاء مطالب حضرات آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و امور مربوط به حوزه انتخابیه آنان در مجلس حضور یابند. خواهشمند است دستور فرمائید مراتب را باستحضار آقایان محترم برسانند.

نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۲۷۹۰

ساله ۱۳۳۱/۱۱/۱۸

۲۷۸

مضمون نامه دکتر مصدق به وزارت دادگستری

دیروز آقای نخست‌وزیر ضمن نامه‌ای به وزارت دادگستری دستور داد مقرر گردد روزنامه‌ها را به مناسبت درج مطالب و حمله به شخص ایشان تحت تعقیب قرار ندهند. این دومین بار است که نخست‌وزیر چنین دستوری صادر می‌کند در ابتدای زمامداری دکتر مصدق نظیر این دستور به شهربانی داده شد.

۲۷۹

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف همدردی عدنان مندرس

حضرت عدنان مندرس نخست‌وزیر ترکیه

تلگرافات آن حضرت که حاوی پیام همدردی نسبت به فاجعه زلزله اخیر بود واصل و موجب نهایت امتنان گردید. سلامت و سعادت جنابعالی و ملت دولت و برادر را از خداوند مسئلت دارم. دکتر محمد مصدق

۲۸۰

پاسخ دکتر مصدق به پیام همدردی امین‌الحسینی مفتی فلسطین

حضرت امین‌الحسینی مفتی اعظم، قاهره - تلگراف آن‌جناب که حاوی پیام همدردی نسبت به فاجعه زلزله اخیر بود اصل و موجب امتنان گردید. سلامت و سعادت جنابعالی و عموم مسلمین را از خداوند مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۱

پاسخ دکتر مصدق به رئیس انجمن پاکستانی دوستداران ایران

آقای شاهپوریان رئیس انجمن پاکستانی دوستداران ایران [!] تلگراف تأثرآمیزی که به مناسبت حادثه زلزله اخیر مخابره نموده‌اند اصل گردید از علائق ایران دوستی آن انجمن کمال تشکر را دارم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۲

پاسخ دکتر مصدق به نامه آقای خلعتبری

جناب آقای ارسلان خلعتبری [!] نامه شریفه اصل و موجب امتنان گردید. مطالبی که مرقوم داشته بودید بسیار کلی و مجمل بود. خواهشمندم نسبت به هر یک از موارد توضیح بیشتری مرقوم و ضمناً اشخاصی را که به نظر جنابعالی برای اجرای این نظرات شایستگی داشته باشند معرفی بفرمائید، مزید بر تشکر خواهد بود.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۸۳

نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۳

شماره ۴۱۸۰۶

پیوست -

ریاست مجلس شورای ملی

در جواب مرقومه شماره ۱۳۷۶۷ مورخ ۳۱/۱۲/۱۲ راجع به حفظ انتظامات و امنیت

داخلی مجلس شورای ملی که اشعار فرموده‌اید برطبق ماده ۲۰۱ آئین‌نامه داخلی بعهدہ جنابعالی است و قوه مجریہ حق دخالت در امور داخلی مجلس را ندارد، باستحضار می‌رساند:
همانطور کہ مرقوم فرموده‌اید برطبق ماده ۲۰۱ آئین‌نامه داخلی حفظ انتظام و امنیت محوطہ مجلس بعهدہ رئیس مجلس می‌باشد ولی بموجب قسمت اخیر مادہ و همچنین برطبق مادہ (۲۰۲) کہ عین آن در ذیل درجہ می‌شود:

«مادہ ۲۰۲ - رئیس و در غیاب او نایب‌رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری کلیہ نظامات مقررہ در مجلس هستند و بطور کلی تمام وظائف رئیس در موقع غیبت او بعهدہ یکی از نواب رئیس خواهد بود.» در غیاب جنابعالی حفظ امنیت و انتظامات داخلی مجلس بعهدہ نایب‌رئیس مجلس شورای ملی محول گردیدہ است.

نظر بہ اینکہ در تاریخ ۳۱/۱۲/۱ شرحی از طرف جناب آقای مهندس رضوی نایب‌رئیس مجلس شورای ملی واصل و تقاضا شدہ بود کہ چون افسر مأمور مجلس (سرہنگ زاهدی) # طرف اطمینان نمی‌باشد و آنطور کہ باید انجام وظیفہ نمی‌کند افسر دیگری برای ریاست گارد مجلس اعزام و معرفی شود. از طرف ستاد ارتش نسبت بہ تغییر مجدد مشارالیه موجبی نخواہد داشت. بنابراین چون عدم تشکیل جلسات مجلس بانتظار تغییر مجدد رئیس گارد ممکن است موجب وقفہ و تعطیل در امور جاری کشور بشود تمنا دارم دستور فرمائید موضوع را با توجہ بہ سوابق امر و استعلام از جناب آقای مهندس رضوی نایب‌رئیس مجلس مطالعہ و نظری را کہ اتخاذ می‌فرمایند اعلام دارند.

[در حاشیہ]

[رقم مہر]

ورود بدفتر نمایندہ مجلس شورای ملی

شمارہ ۱۴۰۶۱

سالہ ۱۳۳۱/۱۲/۱۴

۲۸۴

نامہ دکتر مصدق در پاسخ نامہ ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۵

شمارہ ۲۱۹۱۸

پیوست

ریاست مجلس شورای ملی

در پاسخ نامہ شمارہ ۱۴۰۶۱ - ۳۱/۱۲/۱۴ همانطوری کہ طی نامہ قبلی اشعار گردیدہ بود

سرہنگ مذکور از منسوبین سرانشگر زاهدی و از افسران مخالف نہضت ملی ایران و وابستہ بہ دربار محمدرضا شاہ بود.

عمل دولت در تعویض رئیس گارد در نتیجه تقاضای مقام صلاحیتدار مجلس بوده است و اکنون هم چون هیئت رئیسه محترم مجلس شورای ملی اظهار تمایل بتعویض افسر اعزامی فرموده‌اند دستور داده شد وزارت دفاع ملی افسر دیگری را تعیین و اعزام دارند. نخست‌وزیر
[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۴۱۶۳

ساله ۱۳۳۱/۱۲/۱۷

۲۸۵

تلگراف دکتر مصدق به مرحوم استاد شریعتی و دیگر رهبران مبارزات ضداستعماری خراسان در پاسخ به تلگراف پشتیبانی آنان از دولت

نوسط جناب آقای محمدتقی شریعتی
حضرات آقایان محترم [!]

تلگراف گرامی عز و صلوات بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید.
بر این جانب پوشیده نیست که این دولت در نتیجه حسن ظن قاطبه افراد ملت موجودیت یافته، و ابتکار ملتی است که از تقویت و هدایت او مضایقه نکرده همیشه به پشتیبانی خود ادامه می‌دهد.

بنابراین جز اینکه مساعی خود را در آنچه که مطلوب عامه است صرف نمایم وظیفه ندارم و از خداوند توفیق خدمت می‌خواهم.
دکتر محمد مصدق

۲۸۶

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۱/۲۵

شماره ۱۳۷

بیروت -

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مرقوم عالی شماره ۱۵۳۲۳ - ۳۲/۱/۲۴ عز و صلوات داد. بمقامات انتظامی دستور اکید داده شد نهایت مراقبت را نسبت بحفظ و برقراری نظم در محوطه مقابل مجلس شورای ملی معمول دارند. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۵۵۴۱

ساله ۱۳۳۲/۱/۲۵

۲۸۷

پاسخ دکتر مصدق به تیمسار دولو

تیمسار سرتیپ دولو؛ تلگراف عز وصول بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. این جانب هم به مناسبت عید سعید مبعث تبریک عرض می‌کنم و از خداوند توفیق خدمت می‌خواهم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۸

نامه دکتر مصدق به مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۱/۳۰

شماره ۲۴۲۸

پیوست دارد

جناب آقای مهندس رضوی نایب رئیس محترم مجلس شورای ملی

خاطر شریف را به مندرجات گزارش شماره ۳۶۷ - ۱۳۳۲/۱/۳۰ اداره کل انتشارات و تبلیغات که رونوشت آن به ضمیمه است معطوف و علاوه می‌نماید که این جانب بکرات تأکید کرده‌ام که بهیچوجه مطالب زننده و موهن طومارها و تلگرافات رسیده از رادیو پخش نشود و بطوری که از گزارش مزبور مستفاد می‌گردد این دستور کاملاً و دقیقاً بموقع اجراء گذاشته شده. امیدوارم با این توضیح رفع شبهه از آقایان محترم بشود.

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

آقای حمیدی

عیناً بنظر مقام ریاست مجلس شورای ملی برسانید.

۱. ر [احمد رضوی]

۴۲/۱/۳۱

مقارن ظهر ۳۲/۱/۳۱ رسید و ساعت شش بعدازظهر در مجلس بعرض حضرت آیت‌الله ریاست مجلس رسید.

[امضاء] حمیدی

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی شماره ۱۶۰۱۳ ساله ۱۳۳۲/۱/۳۱

۲۸۹

تسلیت نامه دکتر مصدق به خانواده شهید سرتیپ افشارطوس

با نهایت تأثر و تأسف شهادت اسف‌انگیز مرحوم سرتیپ افشارطوس رئیس شهرداری کل کشور را که در راه ایفای وظیفه و خدمت به وطن و مبارزه با توطئه‌های ضدملی با ایادی ناپاک به وضع ناجوانمردانه‌ای شربت شهادت نوشیده‌است به خاندان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم. شهادت این افسر رشید برای ملت ما ضایعه فراموش نشدنی است. من خود را در این مصیبت بزرگ خانواده افشارطوس شریک و سهیم می‌دانم و با استظهار به عدل الهی و اطمینان به اجرای قانون از خداوند متعال صبر و شکیبایی خاندان آن فقید را آرزو می‌کنم.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۷ اردیبهشت ۱۳۳۲

۲۹۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

بتاریخ ۱۳۳۲/۲/۲۰ ماه
شماره ۲۸۱۶
پیوست -

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مرقومه مورخه ۳۲/۲/۱۹ متضمن نامه‌های فراکسیون نجات نهضت^۱ و فراکسیون آزادی^۲ در خصوص پخش مستقیم جریان مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای ملی از رادیو تهران عز وصول داد و به اداره کل انتشارات و تبلیغات دستور لازم داده شد. متأسفم به طوری که گزارش واصل حاکی است به علت مشکلات فنی و محدود بودن فرستنده‌ها و تعهدات مخابرات بین‌المللی اجرای این امر غیرمقدور می‌باشد.

بنابراین برای تأمین نظریات آقایان نمایندگان محترم و برای آنکه هیچ نکته‌ای از نظر قاطبه ملت ایران مستور نماند متمنی است امر و مقرر فرمایند یک نسخه از صورت کامل مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای ملی به اداره کل انتشارات و تبلیغات ارسال گردد تا به وسیله رادیو پخش و به استحضار عامه برسد. نخست وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

رونوشت نامه اداره تبلیغات به پیوست تقدیم می‌شود.

^۱ فراکسیونهای مذکور از جمعی نمایندگان ضد نهضت ملی تشکیل شده بود.

[رقم مهر]

ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۶۹۸۳

ساله ۱۳۳۲/۲/۲۰

۲۹۱

نامه دکتر مصدق به دکتر بوکمان

دکتر بوکمان عزیزم [!]

لازم می‌دانم از ملاقات محبت‌آمیز دیروز صبح شما بی‌نهایت تشکر نموده و به شما اطمینان دهم که این ملاقات تأثیر فراوانی در اینجا نموده است.

تسلیح اخلاقی به طوری که برای این‌جانب تشریح نمودید وظیفه‌دار نجات است و آینده خوبی را نشان می‌دهد. امید دارم که شما و هم‌مسلمانان باوفایتان موفق شوند که خدمتی به عالم انسانیت بفرمایند و برعلیه مقاصد امپریالیستی که ملل آزادیخواه دچار آن هستند موفق شوند. متأسفانه اقامت شما در اینجا کوتاه است و بطوریکه لازم است نمی‌توانیم از آن استفاده نمائیم. در خاتمه به خود اجازه می‌دهم یادگاری را که معرف هنر و ذوق صنعتی ملت ایران است و در شهر کوشانه احترام ما به وظیفه اجتماعی شماست تقدیم کنم. خواهشمند است بهترین احترامات فائقه این‌جانب را قبول فرمائید.

۲۹۲

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۲/۲۸

شماره ۵۱۲/۴

پیوست رونوشت نامه شهربانی

فوری

ریاست محترم مجلس شورای ملی

رونوشت نامه شماره ۱/۱۳۴۳۴ - ۳۲/۲/۲۶ شهربانی کل کشور راجع به منع ورود مأمورین شهربانی به پیوست فرستاده می‌شود. خواهشمند است دستور فرمائید که نظریه هیئت رئیسه را در این خصوص اعلام دارند. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۷۲۶۵

سال ۱۳۳۲/۲/۲۸

۲۹۳

نامه دکتر مصدق به استاد بهمنیار

دانشمند گرامی جناب آقای احمد بهمنیار کرمانی

این روز فرخنده که به مناسبت هفتادمین سال تولد و پنجاهمین؟ فرهنگی آن استاد محترم از طرف شاگردان و دوستان مجلس شده است با نهایت مسرت تبریکات صمیمانه خود را عرض می‌کند و از خداوند متعال، خواهان است آن استاد معظم را سالیان دراز در کنف حمایت خود قرار دهد تا [با] سلامت و سعادت به اشاعه و افاضه دانش و معرفت پردازند. دانشگاه و دیگر طالبان علم و هنر را از سرچشمه فضل و کمال... کنند و دانشگاه تهران توفیق یابد که در ظل مراقبت استادانی... دانشمندانی تربیت کند که بتوانند مشعل علم و دانش را در کشور باستانی ایران که از روزگاران دراز مهد علم و فرهنگ جهان بوده است روشن و جاوید نگاه دارند.

۲۹۴

پاسخ دکتر مصدق به نامه مدیر سازمان اسلامی

جناب آقای حبیب افندی مدیر سازمان اسلامی

گرامی نامه آن جناب را که به ضمیمه مرامنامه سازمان اسلامی ارسال داشته‌اید با کمال مسرت دریافت داشتم. خیر تشکیل سازمان اسلامی برای مجاهدت در راه هدفی که در مرامنامه آن سازمان درج شده و مخصوصاً با توجه به هدف اصلی سازمان که در نامه خود تصریح فرموده‌اید یعنی ایجاد وحدت در میان مسلمانان جهان و تلقین جهاد در میان آنان برای این جانب مؤده بسیار مسرت‌بخشی است، زیرا برای گستردن بساط عدل و نصفت در جهان که غایت آمال بشری است در حال حاضر که روح معدلت به کمال خود نرسیده است هیچ وسیله‌ای جز قیام و جهاد ملت‌های ضعیف و ستم‌دیده در برابر جور و بیداد دولتهای استعمارطلب وجود ندارد و تا هنگامیکه شعله حق‌طلبی در دل‌های ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده روشن نشود آتش ظمع و زیاده‌طلبی دولتهای ظالم خاموش نمی‌گردد. خوشبختانه اکنون این قبیل حق‌طلبی که براساس یکی از بزرگترین فرائض اسلامی یعنی جهاد استوار است در میان کلیه ملل مسلمان جهان پدید آمده و هریک از این ملتها به فراخور حال خویش سرگرم مبارزه با دشمنان هستند و همگی در این جهاد مقدس که در برابر ظلم و زور درگرفته است همداستانند.

در پایان از حسن ظن جنابعالی و الطافی که نسبت به این جانب ابراز داشته‌اید کمال تشکر و امتنان را دارم و توفیق عموم برادران اسلامی خود را در وصول به آمال مقدس اجتماعیشان خواستارم.
دکتر محمد مصدق

۲۹۵

نامه دکتر مصدق به انجمن فرهنگ ایران

گزارش آن کمیسیون مورد مطالعه قرار گرفت و نظری که راجع به لزوم یک نهضت فرهنگی به موازات نهضت ملی ایران اظهار داشته‌اید بجا و به موقع است؛ بنابراین با پیشنهاد تأسیس انجمنی به نام (انجمن فرهنگ ایران) برای نشر فرهنگ ایران و ترویج زبان فارسی در ممالک همسایه بخصوص در دو مملکت پاکستان و هندوستان به وسیلهٔ مجالس سخنرانی و نشر کتب و مجلات و دعوت استادان و دانشجویان آن ممالک به ایران و فرستادن استادان و دانشجویان ایرانی به آن کشورها و غیره اصولاً موافقت می‌شود.
مقتضی است اساسنامه و آئین‌نامه انجمن را هرچه زودتر تنظیم و برای تصویب هیئت دولت نزد این جانب ارسال فرمائید.

نخست‌وزیر

۲۹۶

نمونه کارت دعوت دکتر مصدق از نمایندگان

جناب آقای ... عضو فراکسیون ... تمنی می‌کنم روز پنج‌شنبه (فردا) ساعت ۷/۵ بعدازظهر سه نفر از نمایندگان آن فراکسیون برای مشاوره دربارهٔ امری این جانب را سرافراز فرمایند.
دکتر محمد مصدق

۲۹۷

نامهٔ دکتر مصدق به وارن «به مناسبت پایان سال مالی ۱۹۵۳ اصل ۴»

جناب آقای ویلیام - ای - وارن رئیس اداره همکاری فنی آمریکا در ایران [!] اکنون که بیش از چند روزی به پایان ماه ژوئن باقی مانده و سال مالی ۱۹۵۳ در شرف انقضاست، لازم می‌دانم از جدیت و کوشش مستمر و مداوم جنابعالی که با وجود محدودیت اعتبارات اداره همکاری فنی تا حدود امکان در خصوص توسعهٔ عملیات تولیدی کشاورزی و صنعتی، بهبود وضع فرهنگ و بهداشت کشور ایران مبذول نموده‌اند صمیمانه تشکر نمایم.

امیدوارم با توجه به هدفی که شالوده همکاری فنی بر آن استوار گردیده و متضمن عملیات آن اداره و در کشور ایران توسعه یافته و در پیشرفت و بهبود اوضاع اقتصادی این کشور، گامهای مؤثری برداشته شود.

اطمینان دارد که کلیه اعضای کمیسیون مشترک ایران و امریکا با تشریک مساعی روزافزون خود به وسیله اجرای برنامه‌های مورد نظر از لحاظ بالا بردن سطح زندگی و تولید منابع جدید ثروت و ازدیاد تولید توفیق بیشتری نصیب ملت ایران خواهند نمود.

ضمناً خواهشمند است مراتب تشکر این‌جانب را به مدیران اداره مرکزی همکاری فنی در واشنگتن ابلاغ نموده و همچنین همکاران و مأمورین خود را در ایران که با مساعی دائم در پیشرفت برنامه‌ها کوشا بوده‌اند به نحو شایسته ترغیب و تشویق فرمایند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۹۸

نامه دکتر مصدق به دکتر امیر علائی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۴/۱۴

شماره

بیوست

قربانت گردم [!؛] نامه مسرت‌آمیز دوم تیرماه ۱۳۳۲ بانضمام متن فرانسه سخنرانی جنابعالی واصل گردید [.] این اقدام بموقع که بر زحمات و وطن پرستانه شما فصلی جدید می‌افزاید درخور هرگونه امتنان و قدردانی است [.] این‌جانب اطمینان دارم که روح فعال و منطقی نیرومند شما که از سرچشمه عشق به مملکت آبیاری می‌شود تا وصول به هدف نهائی همچنان در انجام وظائف خطیری که برعهده دارد پایداری خواهد نمود. با تجدید مراتب مودت توفیق جنابعالی را در انجام خدمات شایسته خواستار است.

دکتر محمد مصدق

[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۹۹

پاسخ دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی (تبریز)

جمعیت وحدت ملی [!]

۹۷۳ وصول، تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید. از خداوند برای همگی خدمت

می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

مقن نامه مصدق به ژنرال آیزنهاور

حضرت رئیس‌جمهور عزیز [۱]

در جواب نامه ملاطفت‌آمیز مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۳ به پیام این جانب پیشنهاد فرموده‌اید نظریاتی را که مورد علاقه مشترک ما بوده باشد مستقیماً یا از مجرای دیپلماتیک به استحضار خاطر عالی برسانم. در آن پیام مختصری از پریشانیها و مضایقی که ملت ایران در راه تحقق بخشیدن به آمال خود در دو سال اخیر تحمل نموده و همچنین مشکلاتی که دولت انگلستان برای پشتیبانی از ادعاهای غیرمنطقی یک شرکت مستعمراتی برای ایران ایجاد کرده است به عرض رساند.

در این چند ماهی هم که از تاریخ این پیام می‌گذرد ملت ایران گرفتار مضایق مالی و دسایس سیاسی شرکت سابق نفت و دولت انگلستان بوده، از آن جمله خریداران نفت ایران را از دادگاهی به دادگاهی کشانده و با تمام وسایل تبلیغاتی و دیپلماسی موانع غیرقانونی در سر راه فروش نفت ایران ایجاد کرده است. با آنکه دادگاههای ایتالیا و ژاپن فروش نفت ایران را بلا مانع اعلام نمودند از اقدامات خلاف اصول دست برداشته‌اند. گرچه امید می‌رفت که در موقع تصدی آن حضرت توجه بیشتری به وضعیت ایران بشود ولی متأسفانه هنوز در روش دولت آمریکا تغییری حاصل نشده است.

در پیامی که آقای وزیر خارجه آمریکا از کراچی برای این جانب ارسال داشته‌اند اظهار تأسف کرده‌اند از اینکه تاکنون آمریکا در مجاهدات خود برای کمک به حل مسئله غرامت توفیق حاصل نکرده است.

باید به خاطر داشت که دولت ایران حاضر شد دیوان بین‌المللی دادگستری قیمت اموال شرکت سابق در ایران را هر قدر تعیین کند بپردازد و نیز حاضر شد که صلاحیت دیوان مزبور را درباره غرامت به این شرط قبول کند که قبلاً دولت انگلستان مبلغ مدعا به خود را در حدود منطق و انصاف تعیین نماید. بدیهی است دولت ایران نیز از شرکت سابق نفت و دولت انگلیس مطالباتی دارد که در موقع طرح دعوی اظهار می‌کرد.

چون دولت انگلیس به این امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند به هیچ‌یک از این پیشنهادات ترتیب اثر نداده، اکنون در اثر اقدامات شرکت سابق و دولت انگلستان، ملت ایران در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه این وضع از نقطه نظر بین‌المللی نیز ممکن است عواقب خطیری داشته باشد و اگر در این موقع کمک مؤثر و فوری به این مملکت نشود اقداماتی که فردا به منظور جبران غفلت امروز به عمل آید خیلی دیر باشد؛ البته در این مدت کمک‌هایی از طرف دولت آمریکا به ایران شده که موجب

تشکر است ولی آنقدر نبوده است که مشکلات ایران را برطرف کند و صلح جهانی را که هدف و آمال دولت و ملت شرافتمند آمریکا است تأمین نماید.

سطح زندگی مردم ایران در نتیجه یک قرن سیاست استعماری خیلی پائین بوده و بالا بردن آن بدون برنامه‌های عمرانی دامن‌دار امکان‌پذیر نخواهد بود. متأسفانه کمکهائی که تاکنون شده اصولاً در حدود کمکه‌های فنی بوده و حتی در این قسمت نیز گاهی اوقات مساعدتی که لازم بوده نشده است. من باب مثال یادآوری می‌شود که بانک صادرات که می‌بایست ۲۵ میلیون دلار برای امور کشاورزی به ایران کمک کند به واسطه دخالت‌های ناروای دیگران متصرف گردید.

ملت ایران امیدوار است که با مساعدت و همراهی دولت آمریکا مواعیتی که در راه فروش نفت ایجاد شده برطرف شود و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمکه‌های اقتصادی مؤثری فرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده نماید.

کشور ایران غیر از نفت، دارای ثروتهای طبیعی دیگر نیز هست که بهره‌برداری از آنها مشکلات فعلی کشور را حل خواهد نمود؛ ولی این امر، بدون کمکه‌های اقتصادی میسر نمی‌باشد.

در خاتمه توجه موافق و اثربخش آن حضرت را به وضع خطرناک فعلی ایران جلب نموده و یقین دارم تمام نکات این پیام را با اهمیتی که شایسته است تلقی خواهند فرمود. خواهشمند است احترامات فائقه دوسدار را قبول فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۳۰۱

نامه دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و ناج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۴/۲۰
شماره ۹۸۵/۴
پیوست یک برگ
محرمانه - فوری

وزارت کشور

رونوشت قسمتی از گزارش اصله راجع به دو نفر از اتباع انگلیس در شیراز به ضمیمه فرستاده می‌شود. دستور فرمائید که تحقیقات کافی معمول و نتیجه و نظریه آن وزارت را در پاسخ اعلام دارند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

[در حاشیه مهر]

وزارت کشور

شماره ۶۷۴۷ - ۲۲/۴/۲۲

ثبت دفتر محرمانه وزارت، کشور
شماره ۶۸۷۳
تاریخ ۱۳۳۳/۴/۲۲
فوری ۲/۲۶
اداره سیاسی
با مراجعه به پرونده پاسخ داده شود
۳۲/۴/۲۱

۳۰۲

نامه دکتر مصدق به وزارت دفاع ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳
شماره
پیوست
محرمانه

وزارت دفاع ملی

عطف بنامه شماره ۲۹۶۷ مورخ ۳۲/۴/۲۷ راجع به لزوم اخراج مستشار مستر شارب کشیش انگلیس و هم‌چنین دکتر کژن جراح بیمارستان مرسلین اشعار می‌دارد. در مورد مستر شارب قبلاً اقدام و طبق پیشنهاد وزارت کشور دستور خروج نامبرده طی نامه شماره ۹۹۴/۴ مورخ ۳۲/۴/۲۳ به وزارت کشور صادر شده است و در مورد مستر کژن نیز به وزارت کشور نوشته شد مطالعات کامل مبذول و نتیجه تصمیم متخذه را اعلام دارند.

نخست‌وزیر

[در حاشیه]

۱۰۷۷/۴

۳۲/۴/۲۹

رونوشت شرح فوق با رونوشت نامه شماره ۲۹۶۷ مورخ ۳۲/۴/۲۷ وزارت دفاع ملی در تعقیب نامه شماره ۹۹۴/۴ مورخ ۳۲/۴/۲۳ به وزارت کشور ارسال می‌گردد که نتیجه اقدام را اطلاع دهند و ضمناً در مورد دکتر کژن جراح بیمارستان مرسلین نظر خود را اعلام دارند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

[در حواشی]

[رقم مهر] ثبت دفتر محرمانه کشور

شماره ۷۵۲۵

تاریخ ۱۳۳۲/۵/۱

وزارت کشور

دائرة سیاسی

شماره ۷۴۲۵ تاریخ ۳۲/۵/۳

اداره سیاسی

اقدام شود

۳۰۳

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف جمعیت مرکزی اصلاح‌طلبان فارس

توسط جناب آقای محمدکاظم ذوالریاستین‌زاده ۱۰۲۴ مورخه ۳۲/۴/۳۰ حضرات آقایان محترم تلگراف گرامی عز وصول بخشید و موجب امتنان گردید از احساسات و وطن‌پرستانه آقایان محترم که به پشتیبانی از این‌جانب ابراز فرموده‌اید و نشانه کمال علاقمندی به امور کشور است صمیمانه تشکر می‌کنم.

دکتر محمد مصدق

۳۰۴

تلگراف دکتر مصدق در پاسخ تلگراف صنف قهوه‌چی

توسط آقای حاجتی، حضرات آقایان محترم ۱۰۵۴ - ۳۲/۴/۳۰ تلگراف گرامی عز وصول بخشید.

دکتر محمد مصدق

۳۰۵

رونوشت تلگراف نخست‌وزیر در پاسخ تلگراف سندیکا

توسط جناب آقای مصطفی قهرمانی؛ حضرات آقایان محترم [!] تلگراف گرامی عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید [.] از احساسات و وطن‌پرستانه آقایان محترم که به پشتیبانی از این‌جانب ابراز فرموده‌اید و نشانه کمال علاقمندی به امور کشور است صمیمانه تشکر می‌کنم؛ چنانکه سابقه نشان می‌دهد این احساسات بی‌نظیر و قابل تقدیر در حل مشکلات امور بی‌اندازه مؤثر بوده و راه پیشرفت را بسوی هدف مقدس ملی که همگی در پیش داریم هموار می‌کند. از درگاه خداوند برای همه افراد ملی توفیق خدمتگزاری می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۳۰۶

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۵/۵
شماره ۱۴۱۸۰
پیوست
خیلی فوری است

جناب آقای مهندس حسینی [!]

خواهشمند است برای مذاکرات لازم ساعت ۵ بعدازظهر امروز (دوشنبه ۳۲/۵/۵) بمنزل اینجناب تشریف بیاورید.

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۰۷

نامه دکتر مصدق به دکتر سیف پور فاطمی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ
شماره
پیوست

جناب آقای دکتر سیف‌پور فاطمی [!]

نامهٔ محبت‌آمیز مورخهٔ ۳۲/۵/۱ جنابعالی دائر به ابراز احساسات ملی و وطن‌پرستانه واصل و موجب کمال خورسندی و امتنان گردید. از مساعی و مراتب جدیت جنابعالی در راه شناسایی نهضت ملی ایران نهایت تشکر حاصل است. امیدوارم که همواره توفیق خدمتگزاری نصیب شما گردد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۰۸

تلگراف دکتر مصدق به دکتر سیف پور فاطمی

از تهران هجدهم جولای به نیویورک

جناب دکتر سیف‌پور فاطمی

از اقدامات مفید و مؤثر در مطبوعات و سخنرانی و انتشار مقالات که در مورد ملی شدن صنعت نفت ابراز داشته‌اید کمال تشکر حاصل است و توفیق جنابعالی را در ادامه خدمات ملی خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۳۰۹

جواب دکتر مصدق به آیت‌الله کلباسی

۳۲/۵/۷

حضرت آیت‌الله آقای کلباسی دامت افاضاته

۳۲/۵/۴ - ۵۷۹

تلگراف شریف عز و صلوات بخشید و موجب نهایت تشکر گردید. از احساسات وطن پرستانه هموطنان عزیز که نشانه کمال علاقمندی به امور کشور است صمیمانه سپاسگذاری می‌کنم و امیدوارم با تفضل الهی و استقامت دلیرانه افراد ملت به کلیه مشکلات فائق آمده و به آرزوهای ملی خود نائل شویم.
دکتر محمد مصدق

۳۱۰

نامه دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۲/۵/۱۳

شماره ۱۲۱۳/۴

پیوست

محرمانه

وزارت کشور

در تاریخ ۳۲/۴/۲۰ طبق پیشنهاد شماره ۵۵۹۶ م/۶۹۶ آن وزارت مستند به گزارش شهربانی فارس و موافقت استانداری هفتم موافقت به عمل آمد که آقای ولف نریمان شارپ کشیش انگلیسی اخراج شود. بعد از طرف وزارت دفاع ملی نیز مستند به گزارش لشکر ۶ این موضوع تأیید شد و ضمن نامه شماره ۴/۱۰۷۷-۳۲/۴/۲۹ به آن وزارت ابلاغ گردید. اکنون معلوم نیست به چه علت وزارت امور خارجه که دخالتی در این باب ندارد گزارشی در این باب داده و اظهار نظر نموده است که از اخراج او خودداری شود. لازم است به فوریت نتیجه اقدامی را که در مورد اخراج نامبرده انجام داده‌اید به اطلاع این جانب برسانید و هم چنین نظر خود را نسبت به دکتر کژن جراح بیمارستان مرسلین نیز چنانچه در ضمن نامه شماره ۱۰۷۷/۴ - ۳۲/۴/۲۹ خواسته شده است اطلاع دهید [۰].

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[حواشی]

اداره سیاسی
اقدام شود

۳۱۱

پاسخ دکتر مصدق به نامه خلعتبری

تاریخ ۳۲/۵/۱۳

شماره ۱۶۷۵۱

خصوصی است - نخست‌وزیر

جناب آقای ارسلان خلعت‌بری

نامه شریف مورخ هفتم مردادماه ضمیمه مقاله منتشره مربوط به نامه رئیس‌جمهور امریکا واصل و موجب امتنان گردید. با جنابعالی در این مورد هم‌عقیده هستم که روش پاره‌ای از جرائد در امر انتقاد، خاصه آنجا که مربوط به سیاست خارجی کشور می‌شود با شیوه صحیح و حزم و دوراندیشی لازم توأم نیست و ممکن است نتایج نامطلوبی به بار آورد. اگر برای جلوگیری از این وضع، پیشنهاد مؤثر و مفیدی به نظر جنابعالی برسد و این جانب را مستحضر بفرمائید ممنون خواهم شد.

دکتر محمد مصدق - امضاء: دکتر محمد مصدق

۳۱۲

نامه دکتر مصدق به استانداری استان هفتم

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ

شماره

پیوست

استانداری استان هفتم

وزارت کشور ضمن نامه شماره ۸۴۱۸/۸۲۱۹ مورخ ۳۲/۵/۱۹ اطلاع داده است که قبل از اخراج دکتر جان ویلیف کلمن جراح بیمارستان مرسلین شیراز باید نسبت به تعیین جانشین او که بتواند بیمارستان مذکور را اداره نماید اقدام گردد. چون طبق گزارشهای واصله در نظر است این جراح اخراج گردد دستور فرمائید قبلاً مطالعات لازم در این باب بشود و یا در صورت امکان در محل یک قابل را در نظر بگیرند و آماده داشته باشند که پس از اخراج جراح نامبرده به جای او گماشته شود و اگر تعیین چنین جراحی در محل ممکن نیست مراتب را اطلاع دهند که از طریق وزارت بهداشت اقدام گردد در هر حال منتظر رسیدن گزارش جنابعالی و اطلاع از نتیجه تصمیمی که در این باب اتخاذ خواهند فرمود هستیم.

نخست‌وزیر

[در حاشیه]

۱۳۱۰/۴

۳۲/۵/۲۴

رونوشت برای اطلاع وزارت کشور فرستاده می‌شود. نخست‌وزیر
[امضاء] دکتر محمد مصدق

اداره سیاسی ۸۷۵۷ - ۱۳۳۲/۵/۲۵

۳۱۳

نامه دکتر مصدق به وزارت دربار

از
اداره ...
دائرة
شماره ۱۷۲۰۲
به
وزارت دربار شاهنشاهی

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت دفاع ملی

روز ۳۲/۵/۲۴

فوری
درباره [:]

چون طبق گزارش ستاد ارتش لازم است که چهار ارباب جنگی مأمور قصر سعدآباد به قسمت مربوط عودت داده شوند. مقتضی است مراتب را به پیشگاه اعلیحضرت همایونی عرض و در این مورد کسب اجازه نمایند. البته در صورتی طبق بررسی که به وسیله ستاد ارتش و گارد مستقل شاهنشاهی به عمل خواهد آمد از لحاظ دفاع سعدآباد به تعداد گروهانهای لازم با اسلحه و تجهیزات کامل از تیپ‌های مرکز بدین منظور مأموریت خواهند یافت. نخست‌وزیر و وزیر دفاع ملی

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۱۴

جواب دکتر مصدق به دستخط شاه در شب کودتای ۲۵ مرداد ۳۲

ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۲ دستخط مبارک به این جانب رسید [.]
دکتر محمد مصدق

۳۱۵

نامه دکتر مصدق به ستاد ارتش

تاریخ ۳۲/۵/۲۴
شماره ۱۷۲۰۶
پیوست

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر ستاد ارتش

مقتضی است به مأمورین مربوطه اکیداً دستور فرمائید نهایت مراقبت را بعمل آورند که از

فرار سرلشکر زاهدی جلوگیری شود. چنانچه تسامحی در این باب بعمل آید موجب مسئولیت شدید خواهد بود.

نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق

۳۱۶

نامه‌ی دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۵/۲۷
شماره ۱۷۰۷۰
پیوست

وزارت کشور

در پی نامه‌های شماره ۱/۷۴۴۳/۹۴۵۱ - ۳۲/۴/۳۱ و ۹۵۹/۱/۷۵۲۹ - ۳۲/۴/۳۱ - شهرداری تهران بعنوان آن وزارت در مورد حفاظت آرامگاه شهدای سی‌ام تیر و اثاثیه متعلق به آن مقتضی است هرچه زودتر به شهرداری شهری دستور فرمائید در این باب که از وظایف آن شهرداری است اقدام نماید و نتیجه را به این جانب اطلاع دهند.

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم مهر]
ثبت وزارت کشور
شماره ۴۸۵۰۷
تاریخ ۳۲/۵/۲۸
[در حاشیه آمده است] اداره امور شهرداری‌ها

۳۱۷

جواب دکتر مصدق به تلگراف محمدرضا آشتیانی‌زاده

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

شماره کتاب

گیرنده ...
..... سال ۱۳۳

تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	قبض ۳۶۵۱	از تهران شماره
روز	ماه		۲۷	۶۰	تلگراف	به ط
۲۸	۳۲/۵					

خیابان بهار - جناب آقای محمدرضا آشتیانی‌زاده (۱۱۹۹۷۹)

۳۲/۵/۲۵

وصول تلگراف گرمی موجب نهایت امتنان گردید ضمن تشکر از احساسات و وطن‌پرستانه

جناب‌عالی امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال و با اتحاد و اتفاق عموم افراد ملت به کلیه مشکلات فائق آمده و به آرزوهای ملی خود نائل شویم.

دکتر محمد مصدق

[رقم مهر] اداره تلگراف تهران

۳۱۸

نامه منسوب به دکتر مصدق در جواب نامه منسوب به آیه‌الله کاشانی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

۲۷ مرداد

مرقومه حضرت آقا وسیله آقا حسن آقا سالمی زیارت شد. اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم، والسلام.
دکتر محمد مصدق
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۱۹

نامه دکتر مصدق به هیئت وزیران دولت کودتا

صبح دوشنبه نهم شهریورماه ۱۳۳۲

هیئت محترم وزیران

دیشب برای اولین بار پس از توقیف از رادیو اتاق مجاور شنیده شد که این جانب اقدامات خلاف قانونی بعمل آورده یا در صدد چنین اقداماتی بوده‌ام. این جانب در مدت تصدی خود جز برای پیشرفت نهضت ملی ایران و جز برطبق قانون و اختیارات قانونی قدمی برنداشته‌ام و اگر فرصتی بدست افتاد جواب این اتهامات با دلایل آن بعرض ملت ایران خواهد رسید. ولی از جواب یک اتهام در این جا ناگزیریم زیرا تأخیر جواب آن به مصلحت کشور نیست و آن اینکه در رادیو گفته شد این جانب در صدد تغییر رژیم بوده‌ام و دلیل آن هم دستور تهیه مراجعه به آراء عمومی است، این اتهام ناروا و این استدلال کاملاً بی‌اساس است زیرا دلایل قویه در دست است که نه این جانب در صدد تغییر رژیم بوده و نه مراجعه به آراء عمومی برای تغییر رژیم بوده است. امیدوارم جلسه محاکمه‌ای که به آن در رادیو اشاره شده بود در محکمه صالحه بزودی تشکیل شود تا اگر امر بر عده قلیلی از مردم ایران هم مشتبه شده باشد آن اشتباهات رفع شود.

دکتر محمد مصدق

۳۲۰

نامه دکتر مصدق به دادگاه نظامی

امضاءکننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست‌وزیری ایران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و زندانی هستم و در یک دادگاه نظامی غیرقانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه می‌باشم و کیل نمودم آقایان محترم علی شهیدزاده و بهرام مجدزاده و حسن صدر وکلای دادگستری را متفقاً یا منفرداً برای درخواست فرجام نسبت به هر قرار و حکمی که برخلاف قانون از دادگاه نظامی غیرقانونی بر علیه این جانب صادر شود و برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیرقانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه به جریان محاکمه و صدور حکم و قرارداد بطور کلی هرگونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی فرجامی - چنانچه دادگاه دیگری بعنوان دادگاه تجدیدنظر که قطعاً و قهراً غیرقانونی خواهد بود برای محاکمه این جانب تشکیل شود آقایان محترم حسن صدر و بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده نیز از طرف این جانب وکالت دارند که بعنوان وکیل مدافع در آن دادگاه تجدیدنظر غیرقانونی شرکت فرموده و با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند.

بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۲

دکتر محمد مصدق

۳۲۱

نامه دکتر مصدق به دادگاه تجدیدنظر نظامی

سوم دی‌ماه ۱۳۳۲

دادگاه محترم تجدیدنظر

جناب آقای سرهنگ بزرگمهر از طرف دادگاه بدوی فوق‌العاده نظامی به سمت وکالت تسخیری این جانب معین شده‌اند چنانچه دادگاه محترم با وکالت تسخیری ایشان موافقت فرمایند کماکان وظائف خود را انجام دهند و الا نظریات خود را به این جانب مرقوم فرمایند تا هرچه زودتر تکلیف این جانب معلوم شود.

دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

در صورتیکه شخصاً سرهنگ بزرگمهر را برای وکالت تعیین نمایند مانعی ندارد والا دادگاه وکیل تسخیری برای ایشان تعیین خواهد نمود.

۳۲/۱۰/۶

امضاء

۳۲۲

نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادی

زندان لشکر ۲ زرمی - ۱۷ اسفند ۱۳۳۲

تیمسار سرلشکر جوادی ریاست محترم دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر در سی‌ام آذرماه که حکم محکومیت این‌جانب در دادگاه غیرقانونی فوق‌العاده قرائت شد در همان جلسه در حکم مزبور درخواست فرجام نمودم و روز ۳ دیماه هم که به این‌جانب تکلیف تجدیدنظر شد تقاضای تجدیدنظر هم به این شرط که مانع رسیدگی فرجامی نشود بعمل آمد ولی دیوان کشور که برطبق درخواست وکلای این‌جانب پرونده را برای رسیدگی فرجامی خواست، آقای سرتیپ آزموده در نهم دیماه بدیوان کشور جواب نگاشت که از ارسال پرونده بواسطه ضرورت آن در دادگاه معذور است و این یک ظلم فاحشی بود که در حق این‌جانب روا داشت:

- ۱ - به پرونده احتیاج فوری نبود چون که دادگاه روز ۴ بهمن شروع به قرائت آن نمود.
 - ۲ - درخواست فرجام در ۳۰ آذر شده بود و درخواست تجدیدنظر در سوم دیماه، در این صورت فرجام به تجدیدنظر حق تقدم داشت خصوصاً اینکه تقاضای تجدیدنظر به این شرط شده بود که مانع رسیدگی فرجامی نشود.
 - ۳ - دیوان کشور و دادگاه تجدیدنظر هر دو باید در صلاحیت دادگاه بدوی یا فوق‌العاده رسیدگی کنند و محل تردید نیست دیوان کشور که صلاحیت آن محرز است به دادگاه تجدیدنظر که صلاحیت خود آن محل حرف و مورد اعتراض است اولویت داشت.
 - ۴ - درخواست فرجام از نظر مسایل قانونی از جمله قانونی نبودن تشکیل و عدم صلاحیت بود، رسیدگی به این مسائل مقدم است به رسیدگی در ماهیت که در تجدیدنظر رسیدگی می‌شود، چنانچه دیوان کشور نظر می‌داد که دادگاه نظامی برای محاکمه این‌جانب صالح نیست موضوع منتفی بود و هیچ چیز ایجاب نمی‌کرد که دادگاه تجدیدنظر هم مثل دادگاه بدوی یا فوق‌العاده مرا برخلاف قانون مدتی در حبس مجرد معذب بدارد.
- با تمام این دلایل چون در جرائد می‌خواندم که ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر و تیمساران دادرسان می‌خواهند که در این دادگاه رائی عادلانه و منصفانه بدهند و به این لحاظ پرونده را با دقت مطالعه می‌نمایند از ۴ بهمن که دادگاه تجدیدنظر شروع به قرائت پرونده نمود منتظر بودم هرچه زودتر تکلیف این‌جانب را معلوم فرمایند ولی تا امروز که صدور رأی محکومیت متجاوز

از ۷۵ روز و از قرائت پرونده متجاوز از ۴۰ روز می‌گذرد تکلیف این جانب معلوم نشده و کاسه حوصله و صبرم لبریز گردیده است و بیش از این نتوانستم در حبس مجرد سکوت اختیار کنم و چیزی در این باب عرض ننمایم این است که از آن تیمسار تمنا می‌نمایم پرونده امر را برای رسیدگی بدرخواست فرجام این جانب و وکلایم به دیوان کشور بفرستند تا بیش از این در حال بلاتکلیفی بسر نبرم.

دکتر محمد مصدق

۳۲۳

یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت نامه دادگاه تجدیدنظر

تاریخ ۳۲/۱۲/۱۹

نامه شماره $\frac{۴۵/۵۴}{۳۲/۱۲/۱۹}$ دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مردادماه ۳۲ در تاریخ ۳۲/۱۲/۱۹ باینجانب واصل گردید.

دکتر محمد مصدق

۳۲۴

نامه دکتر مصدق به سرلشکر هدایت

۱۴ فروردین ۱۳۳۳ - از زندان لشکر ۲ زرهی

جناب آقای سرلشکر عبدالله هدایت وزیر دفاع ملی

در سی‌ام آذرماه گذشته که حکم محکومیت این جانب از دادگاه بدوی نظامی صادر شد، بلافاصله در همان جلسه تقاضای فرجام نمودم و وکلای این جانب هم از دیوان کشور درخواست نمودند. ولی روز سوم دیماه که به این جانب تکلیف شد تقاضای تجدیدنظر کنم نظر به اینکه ماده ۲۳۲ قانون دادرسی ارتش و کیفر می‌گوید: «درخواست تجدیدنظر موجب توقیف اجرای حکم دادگاه بدوی خواهد بود» و این جانب تا رسیدگی دیوان کشور از حبس مجرد که برایم غیرقابل تحمل بود خلاص می‌شدم تقاضای تجدیدنظر هم نمودم و با اینکه دادگاه تجدیدنظر تا روز چهارم بهمن‌ماه شروع به قرائت پرونده نکرده بود آقای سرتیپ آزموده دادستان غیرقانونی ارتش از ارسال پرونده به دیوان کشور به این عذر که پرونده مورد احتیاج دادگاه تجدیدنظر است خودداری نمود و دیوان کشور نتوانست وارد رسیدگی فرجامی شود و دادگاه تجدیدنظر هم تا روز ۲۷ اسفندماه یعنی قریب سه ماه مرا برخلاف قانون در حبس مجرد بلاتکلیف گذاشت که روز مزبور تصمیم گرفتم دیگر غذا نخورم و جان خود را از ظلم و ستم این دستگاه خلاص نمایم

که بعد از ظهر آن روز آقای سرتیپ آزموده که هیچ نمی‌خواستیم او را به بینم غفلتاً با تاقم وارد شده و اظهار نمود که این‌جانب در نتیجه مرض جنونی که عارضم شده غذا نمی‌خورم و گفت بدستهای شما دستبند میزنم و شما را روانه تیمارستان می‌نمایم، پس از آن پنج نفر افسر را که قرب اتاقم بودن دعوت به اتاق نمود که صورت مجلس تهیه کند و یکی دو سطر هم نوشت و بعد معلوم نشد چرا پشیمان شد و موضوع را تعقیب ننمود.

فردای آن روز مجدداً آمد و گفت شرحی به دادستانی ارتش بنویسید تا تکلیف شما زودتر معلوم شود و این‌جانب نوشتم که با هر قید و شرطی که لازم باشد اجازه دهند ایام تعطیل عید را در احمدآباد بگذرانم و روزی که دادگاه تشکیل می‌شود به شهر آمده و وظایف خود را انجام دهم که جواب این نامه به این‌جا رسید که روز ۲۹ اسفندماه چهار نفر تیمساران محترم: سرلشکر مرتضی زاهدی معاون وزارت دفاع ملی از طرف آن جناب و سرتیپ وره‌رام از طرف ریاست ستاد ارتش و سرتیپ آزموده با دعای خودش از طرف ملت و سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران به ملاقات این‌جانب آمدند و قول دادند که بعد از ایام تعطیل عید حتماً دادگاه تشکیل شود و تکلیف این‌جانب را معلوم کند. ولی در جریده کیهان روز ۱۱ فروردین دیده شد که تیمسار سرلشکر جوادی رئیس دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر راجع به این موضوع چنین اظهار نظر نموده‌اند: «علت تعویق در شروع دادرسی باقی ماندن قسمتی از پرونده است که هنوز مطالعه نکرده‌ایم باید خوب پرونده را خواند سپس قضاوت کرد دادگاه هنوز این مطالعه را انجام نداده است از این لحاظ شروع محاکمه معلوم نیست» این است شرح واقعه که لازم شد باستحضار آن جناب که بوسیله معاون خود در این کار دخالت داشته‌اید برسانم.

اکنون عرض می‌کنم که بلا تکلیفی این‌جانب از این نظر است که چون می‌دانند تحمل حبس مجرد از قدرت این‌جانب خارج است و قهراً وضعیتم طوری خواهد شد که از حال طبیعی خارج و عصبانی شوم آنوقت مرا روانه تیمارستان کنند که اگر آنجا غذا نخورم و از بین بروم آن را بجنون نسبت دهند، از بی‌قانونی این دستگاه همین بس که من در دادگاه غیرقانونی سه سال حبس مجرد محکوم شده‌ام ولی اموال من، اسناد من، اوراق قرضه ملی من، جواهرات دخترم که نزد من امانت بوده، قبوض مال‌الاجاره موقوفات بیمارستان نجمیه که من متولی قانونی آن موقوفاتم و چنانچه قبوض رسمی را در مقابل وجهی با مستأجر معامله کنند مال موقوفه از بین می‌رود که محکوم نشده‌اند و تا این روز به این عنوان که از رمز صندوقی که در آن این اسناد گذارده شده فقط سرکار سرگرد صالح مطلع است و او هم در آمریکاست آنها را به این‌جانب مسترد ننموده‌اند این را هم لازم است عرض کنم اسنادی که به حقانیت دولت ایران و برعلیه شرکت سابق نفت بوده نیز در گاو صندوق و اتاق خواب من و اتاق مجاور آن بوده که هرچه در آن دو اتاق بوده تمام را برده‌اند و فقدان این اسناد سبب شده است که این‌جانب نتوانم حساب خود را با مردم تصفیه کنم و یک وصیت‌نامه‌ای که تکلیف اولادم در آتیه معلوم شود در حالت حیات

منظم نمایم.

نظر به اینکه مرگ برایم بزرگترین آرزوست و تحمل حبس مجرد برایم غیرممکن، تصمیم گرفته‌ام که تا روز شنبه ۲۱ فروردین اگر محاکمه این جانب شروع نشود قبل از اینکه مرا بعنوان مرض جنون روانه تیمارستان کنند از صرف غذا خودداری کنم و در همین زندان لشکر ۲ زرهی زیر دست افسران وطن پرست جان بسپارم.

دکتر محمد مصدق

رونوشت برای اطلاع و استحضار تیمسار سرلشکر جوادی رئیس دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر ارسال می‌شود.

۳۲۵

نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادی

۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ - از زندان لشکر ۲ زرهی

تیمسار سرلشکر جوادی رئیس محترم دادگاه غیرقانونی

تجدیدنظر فوق‌العاده نظامی

آقایان حسن صدر و علی شهیدزاده وکلای مدافع این جانب برای درخواست اجازه شرکت در جلسات محاکمه تجدیدنظر که روز ۱۹ فروردین ماه شروع می‌شود، روز ۱۵ فروردین لایحه‌ای به دفتر دادگاه تجدیدنظر رسانیده‌اند که سرکار سرهنگ شاکری منشی دادگاه به دستور آن تیمسار از قبول آن امتناع نموده‌اند.

اینک یک نسخه از لایحه مزبور بدینوسیله تقدیم می‌شود و برطبق همان دلایل و جهاتی که در آن لایحه و لایحه سابق ایشان به تفصیل توضیح داده شده مقتضی است اجازه فرمایند وکلای مذکور برای دفاع از این جانب و انجام وظیفه‌ای که بعهده آنان محول نموده‌ام در جلسات دادگاه شرکت نمایند.

در این لوایح در کمال وضوح ثابت شده که جلوگیری از دفاع وکلای دادگستری در محاکم نظامی بهیچ وجه پایه و اساس قانونی ندارد و بنابراین اگر بر وکلای این جانب اجازه شرکت و دفاع داده نشود حق دفاع این جانب صریحاً سلب شده و بر هزاران خلاف قانون که تاکنون نسبت به این جانب اعمال شده این خلاف قانون نیز علاوه شده است.

با این حال اگر آن دادگاه باز اجازه دفاع به وکلای این جانب ندهند بطوریکه خود آنان در خاتمه لایحه خود تقاضا کرده‌اند مقتضی است بعنوان مشاور اجازه ورود به دادگاه داده شود تا مانند سایر حضار در جلسات دادگاه حضور بهم رسانند و در مواقع تنفس مورد شور این جانب واقع شوند.

دکتر محمد مصدق

۳۲۶

وکالتنامه دکتر مصدق جهت معرفی آقایان حسن صدر، بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده بعنوان وکیل خود

امضاءکننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست‌وزیری ایران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و برخلاف قانون زندانی هستم و در دادگاه بدوی نظامی غیرقانونی و نیز در دادگاه تجدیدنظر نظامی غیرقانونی برخلاف قانون و حق و انصاف محکوم شده‌ام وکیل نمودم آقایان محترم حسن صدر و بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده وکلای دادگستری را متفقاً و منفرداً برای درخواست فرجام از حکمی که دادگاه‌های غیرقانونی صادر نموده‌اند و همچنین برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیرقانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه به جریان محاکمه و صدور حکم و قرار بطور کلی هرگونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی که با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند.

بیست و دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳

دکتر محمد مصدق

۳۲۷

یادداشت دکتر مصدق از زندان لشکر دو زرهی درباره فرجام‌خواهی به یکی از نزدیکان خود

از دیوان کشور فقط درخواست می‌کنم که چون نخست‌وزیر بوده‌ام دادگاه نظامی صلاحیت نداشته که با اتهامات متناسبه به من رسیدگی کند. اگر دیوان کشور هم نتواند برای خود آنقدر آزادی قائل شود که چنین حرف حسابی را مورد توجه قرار دهد مرگ برایم از زندگی بهتر است. من درخواست فرجام از این نظر کرده‌ام که برخلاف قانون اساسی عمل شده و حکم دادگاه نظامی را نقض بلا ارجاع کند که قانون اساسی از بین نرود. اگر دیوان کشور آنقدر توانا نباشد که با همه تأمینیه که قانون اساسی برای مقام دادرسان داده چنین اظهاری بکنند بر فرض اینکه حکم دادگاه نظامی را به این جهت نقض نمود که هیئت منصفه در محاکمه مربوط به جرائم سیاسی حضور نداشته از دادگاه جنائی چه انتظار دارم که تحت نفوذ واقع نشود و مرا محکوم نکند؟ من خدا را گواه می‌گیرم که برای تیرئه خودم درخواست فرجام نداده‌ام.

حال خوب است معلوم شود چند روز برای رسیدگی فرجامی تأمل شود و عجله نکنیم.

۳۲۸

جواب دکتر مصدق به اظهارنامه جعفر وجدانی

تمنا دارم عرضحال خود را به دادگستری تقدیم کنید، بمحض اینکه ابلاغ شد از دادستانی ارتش تقاضا می‌کنم اجازه دهند یکی از وکلای دادگستری جواب عرضحال را با مشورت این‌جانب تهیه و در دادگاه هم رسماً دفاع کند. محض اطلاع عرض می‌کنم از ۲۲ اردی‌بهشت که دادگاه تجدیدنظر نظامی مرا به سه سال حبس مجرد محکوم نمود قریب سه ماه می‌گذرد و تاکنون وکلای این‌جانب مرا برای شور و تنظیم لایحه فرجامی نتوانستند ملاقات کنند.

دهم مردادماه ۱۳۳۳ - دکتر محمد مصدق

۳۲۹

نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی - ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴

دیوان عالی کشور

در مجله «سپید و سیاه» سال دوم شماره ۸ روز قبل خبری منتشر گردید که عیناً باستحضار می‌رسد:

«چند ماه بود که پرونده آقای دکتر مصدق در شعبه ۲ دیوان عالی کشور بحال رکود مانده بود. طبق اطلاع چند روز است که پرونده مجدداً مورد مطالعه قرار گرفته است. گویا آقای وزیر دادگستری روی دستور صریحی که برای رسیدگی فوری پرونده‌های دادگستری داده است این پرونده نیز مورد مطالعه مجدد قرار گرفته تا تصمیم نهائی روی آن اتخاذ گردد.»

از ۱۴ شهریور سال قبل که لایحه فرجامی خود را تقدیم نموده‌ام همیشه به این انتظار بوده‌ام که برطبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی احضار شوم و به دستور ماده ۴۵۱ همان قانون از خود دفاع نمایم.

همه دیدند که در دادگاه سلطنت‌آباد هر وقت خواستم از خود دفاع کنم عده‌ای از افراد باشگاه تاج چه ناسزا که نگفتند و جرائد نوشتند که چندبار در هر دو دادگاه بدوی و تجدیدنظر نظامی بسری شدن محاکمه تهدید شدم و من برای اینکه دادگاه سری نشود و مردم از جریان محاکمه بیخبر نمانند، به مصداق «مالا یدرک کله لا یترک کله» از گفتن حقایق امساک کردم.

این امساک نه از این جهت بود که ترسیدم مرا از بین ببرند، بلکه از این جهت بود که خواستم آن حقایق در دادگاهی گفته شود که در تاریخ آزادی و استقلال ایران همیشه بماند. تا هزار مثل من در راه آزادی فدا نشوند وطن عزیز ما ایران روی آزادی و استقلال را نخواهد دید.

ماده ۴۵۸ قانون اصول محاکمات جزائی می‌گوید: «دیوان تمیز در موارد ذیل در صورتیکه حکمی را نقض کند، ارجاع به محکمه دیگری نخواهد نمود و این موارد را نقض بلاارجاع گویند.»

فقره سوم از ماده مزبور یکی از موارد نقض بلاارجاع را اینطور بیان می‌کند: «در صورتیکه حکم صادر از محکمه تالی بر مجازات شخص بعنوان جرم بوده و حال آنکه آن عمل بر فرض وقوع قانوناً داخل در جرم نبوده و اصلاً قابل مجازات نیست.» اکنون از آن قضات عالی‌مقام سؤال می‌کنم این‌جانب که لایحه فرجامی خود را به دو فصل محدود نمودم که فصل اول آن مربوط به عزل و نصب نخست‌وزیر است که از وظایف مجلس شورای ملی و سناست و فصل دوم آن مربوط به دادگاه نظامی است که صلاحیت ندارد نخست‌وزیر را محاکمه کند و از اتهاماتی که در کیفرخواست به من نسبت داده شده حتی یک کلام دفاع ننموده‌ام تا در دیوان عالی کشور حضور بهم رسانم و بطور آزاد از خود دفاع نمایم آن قضات عالی‌مقام چطور می‌توانند مرا مشمول فقره سوم از ماده ۴۵۸ بدانند یا ندانند؟ این است که درخواست می‌کنم هر وقت نوبت به پرونده این‌جانب رسید از حقی که قانون به من اعطاء نموده است محروم نکنند و به دنیا ثابت نمایند که دادگستری ایران هم مثل دادگستری انگلیس نظری بجز عدالت و حق ندارد.

عرایض من مطالبی نیست که بتوانم تمام را بنویسم و باید شفاهاً عرض برسانم. اکنون قریب دو سال است که با کبر سن و ضعف مزاج و ناتوانی، زندان مجرد را تحمل نموده‌ام برای اینکه یک روز در آن دیوان حاضر شوم و آنچه راجع به بیگناهی خود دارم اظهار نمایم.
دکتر محمد مصدق

۳۳۰

نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور

۱۵ مرداد (۱۳۳۴) - از زندان لشکر ۲ زرهی

دیوان عالی کشور

۱۹ تیرماه گذشته شرحی توسط دفتر دادستانی اداره دادرسی ارتش عرض نمود که تاکنون به جواب آن نایل نشدم. چون روز قبل مجله «خواندنیها» به نقل از روزنامه «فرمان» در شماره ۹۱ سال پانزدهم خود چنین منتشر نموده است:

«کسب اطلاع شده که دیوان عالی کشور نظر نهائی و قطعی خود را درباره پرونده مصدق بزودی اعلام خواهد داشت. چندی قبل شعبه مأمور رسیدگی به پرونده دکتر مصدق در دیوان عالی کشور آقای عقیلی یکی از اعضای خود را مأمور مطالعه پرونده مصدق السلطنه و تنظیم

گزارشی در این زمینه نمود. بطوریکه اطلاع می‌رسد اکنون آقای عقیلی مطالعات خود را به روی پرونده مصدق که از طرف دادرسی ارتش به دیوان عالی کشور ارسال شده خاتمه داده‌اند و تنظیم گزارش ایشان بزودی تمام خواهد شد. شعبه مأمور رسیدگی به پرونده دکتر مصدق سه عضو دارد که در مورد این پرونده باید رأی بدهد. آقای عقیلی یکی از سه عضو مذکور می‌باشند که پس از تنظیم گزارش شعبه جلسه خود را تشکیل خواهد داد و سه قاضی به آن رأی خواهند داد. به قرار اطلاع در این گزارش آقای عقیلی حکم دادرسی ارتش را ابرام کرده‌اند و احتمال قوی می‌رود که در جلسه شعبه دو قاضی دیگر نیز این حکم را ابرام نمایند.

اکنون نیز رونوشتی از نامه ۱۹ تیرماه تقدیم و خاطر آن قضات عالی مقام را به این نکته توجه می‌دهد که در محاکم بدوی و تجدیدنظر نظامی چندبار بسری شدن محاکمه تهدید شدم و بهتر آن دانستم که از ذکر بعضی حقایق خودداری کنم تا دادگاه سری نشود و هموطنانم از جریان محاکمه بی‌خبر نمانند.

بنص صریح ماده ۴۵۲ و ۴۵۱ قانون اصول محاکمات جزائی «متداعیین در دیوان تمیز احضار می‌شوند». «متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند». چنانچه این جانب را احضار نکنند از حق قانونی خود محروم نموده و از عدالت استنکاف فرموده‌اند.

این جانب نباید بیش از این چیزی عرض کنم و در این زندان مشقت‌بار تکلیف خود را بدین طریق تعیین می‌کنم که تا ظهر چهارشنبه ۱۸ مرداد اگر آن دیوان مرا مطمئن نکنند که اجازه خواهند داد از خود دفاع کنم از صرف غذا اجتناب کنم و از عذاب الیمی که به آن مبتلا شده‌ام خود را زودتر خلاص کنم. البته تاریخ قضاوت خواهد نمود که آن دیوان چرا نسبت به من که در تمام مدت تصدی کار غیر از خیر مملکت نظری نداشتم این رویه را اتخاذ نموده‌اند و من هم بیش از این چیزی نمی‌خواهم.

دکتر محمد مصدق

ضمیمه: رونوشت نامه ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴ بدیوان عالی کشور.

می‌شوم که بعد از تقدیم درخواست فرجامی قریب یکسال باز در زندان بسر بردم و هیچ عرض نمودم. ولی همینکه در مجله «سپید و سیاه» مطالبی خواندم شرحی عرض نمودم و دیوان عالی کشور را بحقی که قانون بهر متهمی داده است متوجه نمودم.

(۱) اینکه مرقوم فرموده‌اند: «طبق رویه معموله دیوان کشور از بدو تشکیل تاکنون در صورتی متهم و یا متداعیین برای ادای توضیحات در شعبه مربوطه دعوت می‌شوند که شعبه برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بدانند» عرض می‌کنم در هر قانون اول این موضوع باید مورد مطالعه قرار گیرد و روشن شود که آن قانون در نفع چه اشخاص وضع شده است.

ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی که می‌گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز حاضر می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجب حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد» صرفاً در نفع متهم وضع شده و هیچکس غیر از خود او صاحب حق نیست و فقط متهم می‌تواند از آن صرفنظر نماید.

و نیز ماده ۴۵۱: «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید، متداعیین یا وکلای آنان به اجازه شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند» که جمله آخر آن حق مسلم و صریحی است که قانون به متهم داده و شعبه نمی‌تواند باستناد رویه قضائی از او سلب حق کند که از قدیم گفته‌اند اجتهاد در مقابل نص غلط است. رویه قضائی وقتی حجیت دارد که در قانون حکمی نباشد. وقتی قانون به متهم حق می‌دهد که در دیوان کشور حاضر شود و از خود دفاع نماید آیا می‌توان قبول نمود که رویه قضائی بتواند این حق را از متهم سلب نماید.

(۲) مرقوم شده است: «رسیدگی و اعمال نظر دیوان کشور در امور جزائی محدود است بمواردی که در ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی قید گردیده است» که یکی از آن موارد این است: «در موارد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی - در صورتیکه عدم رعایت قوانین باندازه‌ای اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی بیندازد.»

لذا عرض می‌کنم چه عدم رعایتی از این بالاتر که ماده ۱۹۴ قانون دادرسی و کیفر آرتش به متهم حق می‌دهد «آنچه را که برای مدافعه مفید می‌داند در موقع اظهار دارد» و این جانب به شهادت پرونده و جرائد در هر دو دادگاه چندبار بسری شدن به محاکمه تهدید شدم و برای اینکه محاکمه این جانب در پس پرده صورت نگیرد و مردم علاقمند بکلی از جریان کار دادگاه بیخبر نمانند از اظهار بعضی حقایق خودداری کرده‌ام. با این حال معلوم نیست وقتی که قسمتی از اعتراضات خود را نه کتبا نموده‌ام نه شفاهاً دیگر بچه استناد شعبه می‌تواند «برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بدانند».

ریاست محترم دیوان عالی کشور

امید من در این دو سال زندان همیشه این بوده است که در جلسات محاکمه حاضر شوم و از حقی که قانون به من اعطاء نموده است استفاده نمایم و جای کمترین شک و تردید در بیگناهی خود باقی نگذارم. این است که تمنا می‌کنم بلافاصله بعد از تشکیل شعبه نظریات آقایان اعضاء محترم شعبه را در موضوع این درخواست باین جانب ابلاغ فرمایند تا تکلیف خود را بدانم.
دکتر محمد مصدق

۳۳۲

نامه دکتر مصدق به ریاست دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرمی - ۲۲ مهرماه ۱۳۳۴

ریاست محترم دیوان عالی کشور

چون در بعضی از جرائد مرکز خبری منتشر شده که چهارم آبان یعنی روز ولادت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عده‌ای از مجرمین من جمله خود این جانب مشمول عفو ملوکانه قرار خواهند گرفت لذا بعرض این نامه تصدیق افزا می‌شود.

که از این حق کسانی می‌توانند استفاده کنند که از آخرین دادگاه کیفری حکم قطعی راجع به محکومیت آنها صادر شده باشد. در صورتیکه حکم دادگاه تجدیدنظر نظامی راجع به سه سال حبس مجزّد این جانب هنوز قطعی نشده و از ۱۴ شهریور ماه ۳۳ که درخواست فرجام نموده‌ام در آن دیوان بلا تکلیف مانده است.

نسبت به حکم مزبور دیوان عالی کشور می‌تواند به یکی از سه طریق عمل کند:

(۱) آن را نقض کند و به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی دارد ارجاع نماید.

(۲) حکم را ابرام کند.

(۳) آن را نقض بلا ارجاع فرماید.

اتخاذ هر یک از این سه طریق بسته به میزان علاقه‌ای است که رأی دهندگان به حفظ حیثیات خود و استقلال قوه قضائی دارند و آن چیزی که در اختیار دیوان عالی کشور نیست همان سلب حق حضور در دادگاه از متهم است که حتی در ممالک بسیار عقب افتاده هم آن را از متهم سلب نمی‌کنند مضافاً به اینکه قانونگذار ما هم از این اصل که یکی از اصول مهمه حقوق جزائی است الهام گرفته و ماده ۴۵۱ اصول محاکمات جزائی را بدین طریق تنظیم نموده است:

«در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید. متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند...»

و ماده ۴۵۲ نیز می‌گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند و اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد.»
این حق حضور از نظر قانون‌گذار آنقدر مهم تلقی شده که ماده ۴۵۳ می‌گوید: «پس از آنکه طرفین برحسب اصول احضار شدند حکم صادر از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست.»
که مفهوم مخالف آن این است اگر متهم احضار نشد حکم غیابی است و او می‌تواند به آن اعتراض کند.

نظر به اینکه در نامه مورخ ۱۹ مرداد گذشته نظریات خود را در خصوص مواد ۴۵۱ و ۴۵۲ عرض و بطور مشروح استدلال کرده‌ام دیگر زائد است از این بابت چیزی عرض کنم.

II

در جرائد روز البته ملاحظه فرموده‌اند که در آخرین جلسه دادگاه بدوی نظامی نامه‌ای به شماره ۶۵۹۲ مورخ ۲۹ آذر ۳۳ از وزارت دربار شاهنشاهی بریاست دادگاه رسید که عیناً برای استحضار نقل می‌شود:

«بفرموده اعلیحضرت همایون شاهنشاه بیاس خدمات آقای دکتر محمد مصدق در سال اول نخست‌وزیری خود در امر ملی شدن صنعت نفت که خواسته عموم ملت ایران و مورد تأیید و پشتیبانی ذات ملوکانه بوده و می‌باشد و آنچه نسبت بمعظم‌له گذشته است صرف‌نظر فرموده‌اند» اکنون لازم می‌دانم خدماتی که در سال اول دولت این‌جانب به مملکت و شاهنشاه شده است باختصار شرح دهم:

(۱) ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ صورت گرفت و تا ۵ اردیبهشت ماه ۳۰ که مجلسین شورای ملی و سنا به این‌جانب رأی تمایل دادند قطعی نشده بود. این بود که از تشکیل دولت خودداری کردم تا قانون نه ماده راجع به اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در مجلسین تصویب شود و ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور قطعیت پیدا کند.

(۲) خلع ید از شرکت سابق که روز ۲۹ خرداد بعمل آمد.

(۳) دولت انگلیس اصالة از طرف خود و وکالتاً از طرف شرکت سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را شناخت. بر فرض عدم شناسائی هم صنعت نفت ملی شده بود چونکه هر مملکت روی اصل حاکمیت ملی می‌تواند هریک از صنایع خود را ملی کند و این شناسائی از این نظر مفید بود که شرکت نمی‌توانست ادعای عدم‌المنفع کند، چونکه ملی شدن صنعت نفت را بدون قید و شرط شناخته بود بنابراین دعوی شرکت منحصر می‌شد به غرامت.

(۴) خروج کارشناسان انگلیس از ایران بعد از ۴ مهرماه ۱۳۳۰

(۵) پیشرفت دولت در شورای امنیت

(۶) آزادی انتخابات

(۷) انحلال قونسولگریهای انگلیس

از مراحل طی نمود چون مورد پشتیبانی و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاه واقع نشده چیزی عرض نمی‌کنم و فقط من باب مثال به یکی از آن مراحل اشاره می‌نمایم و آن شکست سیاست خارجی در دیوان بین‌المللی دادگستری است که در اول مرداد ۳۱ صورت گرفت و قضات آن خود را به سیاست‌های استعماری آشنا و آلوده نکردند و از راه حق و حقیقت قدمی خارج نگذاشتند و حتی «سر آرنولد مک‌نایر» قاضی انگلیس و رئیس دیوان بر علیه دولت خود رأی داد و مورد تحسین و تقدیر جهانیان قرار گرفت، چونکه قاضی شرافتمند آن کسی است که رأی به حق بدهد و غیر از حق و عدالت چیزی در نظر نگیرد و هیچ فردی در هر مقام نتواند او را آلت فعل قرار دهد و از عقیده و ایمانی که دارد منحرف سازد.

از آنچه گذشت این سؤال پیش می‌آید اگر عملیات سال اول دولت این‌جانب بشرحی که گذشت خواسته‌های ملت ایران بوده آیا از حق عفو اعلیحضرت این‌جانب باید استفاده کنم یا کسانی که برخلاف خواسته‌های ملت عمل کرده‌اند؟

اکنون متجاوز از یکسال است که این‌جانب ناگواریهای زندان مجرد را تحمل کرده‌ام بدون اینکه آقایان مستشاران محترم بتوانند پرونده این‌جانب را مورد مطالعه قرار دهند و بررسی فرمایند تا معلوم شود که چند مرتبه در هر دو دادگاه بسری شدن محاکمه تهدید شدم و برای اینکه کار در پشت پرده نگذرد و مردم از جریان محاکمه بی‌خبر نمانند از اظهار حقایقی که به نفع خود بود خودداری کردم، و اکنون معلوم نیست چرا باید از حقی که قانون به هر متهمی داده است محروم شوم و در جلسات دادگاه حاضر نشوم و از خود دفاع نکنم.

بطوریکه در یکی از جلسات دادگاه نظامی عرض شده چنانچه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی این‌جانب را مشمول عفو قرار دهند چون بزرگترین توهینی است که به یک خدمتگزار مملکت می‌شود زیر بار آن نمی‌روم و به زندگی خود خاتمه می‌دهم.

اکنون نیز به استحضار عالی می‌رسانم که هرگاه شعبه این‌جانب را برای حضور در دادگاه دعوت نکند و حق دفاعی که قانون به هر متهمی داده است از این‌جانب سلب کند چون دیگر وسیله‌ای برای دفاع ندارم مرگ را به زندگی ترجیح می‌دهم و غیر از نخوردن غذا بوسیله دیگری متوسل نمی‌شوم و تا در زندان بسر می‌برم برای اینکه کسی را متهم نکنند طریقه دیگری اتخاذ نخواهم کرد.

از همه خواهانم که بعد از اتخاذ تصمیم مرا زحمت ندهند و احتضارم را طولانی نفرمایند.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور

زندادان لشکر ۲ زرهی - ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۳۴

جناب آقای هیئت ریاست محترم دیوان عالی کشور

بنص صریح ماده ۱۸۶ قانون دادرسی و کیفر آرتش «وکیل مدافع متهم از ابتدای جریان دادرسی می‌تواند با آزادی با او ملاقات و مذاکره کند» که در ممالک دور از تمدن هم این حق را از متهم سلب نمی‌کنند. با این حال معلوم نشد چه مانعی روی داد که حق مزبور از این جانب سلب شود و از ۱۴ شهریورماه ۳۳ که لایحه فرجامی خود را تقدیم کرده‌ام فقط چهار مرتبه آنهم با اجازه آن‌جناب و تشریفات خاصی این ملاقات دست داده است که باز به دستور آن جناب و برای آخرین دفعه، مرتبه دیگری اجازه داده‌اند که با آقایان وکلای خود ملاقات کنم و طبق نامه شماره ۳۳۷۶ دادستانی آرتش «آخرین اظهار و اعتراض خود را در مورد رأی دادگاه تجدیدنظر کتبا یا شفاهاً بوسیله ملاقات‌کنندگان باستحضار شعبه ۹ دیوان عالی کشور» برسانم که مفهوم این دستور چیزی جز این نیست که حق حضور این جانب را در دادگاه برای دفاع از خود سلب می‌کند. از تاریخ تقدیم لایحه فرجامی تا ۱۷ مرداد ۳۴ که آن جناب نامه شماره ۱۷۱۹۹ را در جواب نامه‌های مورخ ۱۹ تیرماه و ۱۵ مرداد این جانب مرقوم فرموده‌اند قریب یک سال گذشت که این جانب بلا تکلیف در زندان بسر برده‌ام و برای تأخیر رسیدگی بکار این جانب در نامه مزبور دلایلی ذکر فرموده‌اند که قسمت حساس آن عیناً در این جا نقل می‌شود.

«شعبه ۹ دیوان عالی کشور که مرجع رسیدگی پرونده است بعلت معذوریت و مأموریت دو نفر از مستشاران تکمیل نیست. قریباً مدت آنان تمام و شعبه نامبرده دایر و مهیا برای رسیدگی خواهد شد. مندرجات پاره‌ای از جرائد که مورد ملاحظه گردیده مطابق با جریان امر نیست. راجع به تقاضای اینکه موقع طرح شخص جنابعالی در دیوان کشور برای بیان مطالبی حضور بهم رسانید طبق رویه معموله دیوان کشور از بدو تشکیل تاکنون و در صورتی متهم یا متداعیین برای ادای توضیحات در شعبه مربوطه دعوت می‌شوند که شعبه برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بدانند و رسیدگی و اعمال نظر دیوان کشور در امور جزائی محدود است به مواردی که در ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی قید گردیده است.»

سپس طی نامه مورخ ۱۹ مرداد ۳۴ خاطر عالی را به این متوجه نمود که یکی از موارد ماده مزبور «عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی است در صورتیکه عدم رعایت قوانین مزبور به اندازه‌ای اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی ببندازد.»

و من باب مثال چه عدم رعایتی از این بالاتر که ماده ۱۹۴ قانون دادرسی و کیفر آرتش به متهم حق می‌دهد «آنچه که برای مدافعه مفید می‌داند در موقع اظهار دارد» که این جانب بشهادت پرونده و جرائد در هر دو دادگاه چندبار بسری شدن محاکمه تهدید شدم و برای اینکه جریان محاکمه مثل سایر دادرسیها در پس پرده صورت نگیرد و مردم علاقمند بکلی از آن بی‌خبر نمانند از اظهار بعضی از حقایق خودداری کرده‌ام. بنابراین وقتی که این جانب مطالبی برای دفاع از خود اظهار ننموده‌ام دیگر موردی نیست که دادگاه «برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بداند.»

دیوان عالی کشور با درخواست این جانب به یکی از سه طریق می‌تواند عمل کند:

(۱) حکم دادگاه تجدیدنظر را نقض کند و به دادگاهی که صلاحیت دارد ارجاع نماید.

(۲) آن را نقض بلاارجاع فرماید.

(۳) حکم مزبور را ابرام نماید.

اتخاذ هر یک از این سه طریق بسته به میزان علاقه‌ای است که رأی‌دهندگان به حفظ حیثیات خود و استقلال قوه قضائی دارند و آن چیزی که در اختیار آن دیوان عالی مقام نیست سلب حق حضور در دادگاه از متهم است که در هیچ کجا مرتکب چنین عملی نمی‌شوند و واضعین قانون اصول محاکمات جزائی هم آن را در باب چهارم قانون مزبور راجع به تمیز احکام جزائی ذیل مواد زیر برای هر متهمی تأمین کرده‌اند.

بنص صریح ماده ۴۵۱ «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید. متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند و مدعی‌العموم اخیراً عقیده خود را اظهار می‌دارد و دیوان تمیز پس از آن به اکثریت آراء حکم می‌دهد.»

بنص صریح این ماده تا متداعیین یا وکلای آنان مطالب خود را اظهار نکنند نه دادستان می‌تواند اظهار عقیده کند نه دادگاه می‌تواند حکمی صادر نماید مگر اینکه طبق ماده ۴۵۲ که می‌گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد» دادگاه متداعیین را احضار کرده باشد ولی آنها بدون عذر موجه حاضر نشده باشند.

ماده ۴۵۳ نیز در تأیید مواد مزبور چنین گوید: «پس از آنکه متداعیین برحسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست.» که مفهوم مخالف آن این است اگر متهم برحسب اصول احضار نشد حکمی که دادگاه صادر می‌کند حضوری محسوب نمی‌شود و متهم می‌تواند به آن اعتراض کند.

حقی را که مواد مزبور به متهم داده است حق مسلم او و در نفع اوست و آن را نمی‌توان از او سلب نمود مگر به رضای خود او. نه دادستان می‌تواند نظری برخلاف آن اظهار کند و نه دادگاه

می‌تواند او را احضار نکند و حق دفاعی که قانون به او داده است از او سلب نماید. در هر کجا وقتی که دو قانون هرکدام حکم خاصی دارد قانونی [را] که در نفع متهم است اجرا می‌کنند ولی اکنون آن‌جناب طبق مرقومه شماره ۱۷۱۹۹ مورخ ۱۷ مرداد که قبلاً قسمت حساس آن گذشت می‌خواهند نه باستناد یک قانون بلکه باستناد یک رویه قضائی این‌جناب را از حقی که مواد مذکور به هر متهمی داده است محروم کنند. بعلاوه رویه برخلاف نص صریح قانون معقول نیست.

در ۶ مهرماه ۳۴ در جواب سؤال مخبر روزنامه «اطلاعات» بیاناتی فرموده‌اند که قسمتی از آن بیانات از شماره ۸۷۹۲ همان جریده عیناً نقل می‌شود:

«چون قبلاً اعضای شعبه ۹ دیوان عالی کشور که پرونده آقای دکتر مصدق برای بازرسی به آن شعبه ارجاع شده است تکمیل نبود و بالتبجه پرونده‌های ارجاعی به آن شعبه را کد مانده بود به این جهت اخیراً اعضای آن شعبه از اوایل هفته گذشته پرونده‌های را کد از جمله پرونده آقای دکتر مصدق به جریان افتاده و اکنون اعضای شعبه ۹ مشغول پرونده قطور آقای دکتر مصدق شده‌اند. بعلت اینکه در این پرونده اوراق زیاد است تصور می‌رود قرائت آن یکی دو هفته بطول انجامد. باید دانست تصمیم قطعی درباره پرونده آقای دکتر مصدق باید با حضور دادستان کل انجام شود و آقای امامی دادستان کل اکنون در اروپا هستند و قرار است تا چند روز دیگر به طهران مراجعت کنند، بنابراین پس از ورود دادستان کل که باید در مورد پرونده‌های ارجاعی به شعب نظر بدهد تصمیم نهائی درباره پرونده آقای دکتر مصدق اتخاذ می‌گردد و اکنون می‌توان گفت در حقیقت مقدمات رسیدگی آغاز شده است.»

اخیراً بعضی از روزنامه‌ها نوشته‌اند که شاهنشاه مرا احضار فرموده و برای رسیدگی به پرونده آقای دکتر مصدق دستوراتی صادر فرموده‌اند. این شایعه به هیچوجه صحت ندارد زیرا کار دیوان عالی کشور بر مدار خود جریان دارد و پرونده آقای دکتر مصدق نیز در شعبه ۹ تکمیل شده است در موعد و نوبت خود رسیدگی خواهد شد.»

این بود قسمت حساس مصاحبه آن جناب و از ۶ مهرماه باز چند ماه می‌گذرد ولی هنوز این‌جناب احضار نشده‌ام و در زندان بلا تکلیف بسر می‌برم. اکنون اخطاریه شماره ۳۳۷۶ مورخ ۱۷ بهمن‌ماه ۳۴ دادستانی ارتش را عیناً نقل می‌کنم.

بازگشت شماره ۷۴۶۲ رکن ۲ - ۳۴/۱۰/۲۵

درباره آقای دکتر محمد مصدق

تیمسار فرماندهی لشکر ۲ زرهی مرکز

بنا با بلاغ ریاست دیوان عالی کشور غدغن فرمائید با مراجعه آقایان علی شهیدزاده و حسن صدر و مجدزاده جمعاً یا انفراداً فقط یک جلسه برای آخرین دفعه با آقای دکتر محمد مصدق

ملاقات نمایند تا آخرین اظهار و اعتراض خود را در مورد رأی دادگاه تجدیدنظر کتباً یا شفاهاً بوسیله ملاقات‌کنندگان باستحضار شعبه ۹ دیوان عالی کشور برسانند.

دادستان آرتش، سرلشکر آزموده

ریاست محترم دیوان عالی کشور

این جانب هر قدر تجسس نمودم در قوانین موضوعه ملاک و مدرکی برای صدور این اخطاریه ندیدم. اکنون که دیوان عالی کشور می‌خواهد در یک امر حیاتی مملکت اظهار نظر کند و بیانات او را بشنوند. چه بسیار از مطالب که متهم نه می‌تواند بنویسد نه پیغام دهد و می‌خواهد آنها را در آخرین وقت دادگاه اظهار کند و دادگاه طبق مقررات محاکم جنائی در همه جا رأی خود را بلافاصله بدهد و این رأی مصون از هر شایبه و دخالت و اعمال نفوذ باشد خصوصاً اینکه قانونی هم برای این کار هست و طبق ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی دادگاه مکلف است که متهم را احضار کند و بیانات او را استماع نماید.

چنانچه کار دیوان عالی کشور بر مدار خود جریان دارد چه چیز سبب شده است که این جانب را از حق دفاعی که قانون در خود دادگاه به متهم داده است محروم نمایند؟

نویسندگان کیفرخواست ۹ مهر ماه ۳۲ ارتکاب سیزده فقره عملی را به این جانب نسبت داده‌اند که در فصل ۲ لایحه خود به دادگاه تجدیدنظر جواب آنها را داده‌ام.

چنانچه تمام آنها را هم این جانب مرتکب شده باشم چون هیچکدام مشمول قانون مجازات نمی‌شود مرتکب جرمی نشده‌ام. اگر دادگاه با این نظر موافق است این جانب از حق حضور در دادگاه صرف نظر می‌کنم تا دادگاه رأی خود را بدهد و تکلیف این جانب را معلوم نماید و الا باید به دادگاه احضار شوم و آنچه برای دفاع از خود مفید می‌دانم بگویم و ثابت نمایم که دادگاه نظامی برای محاکمه نخست‌وزیر، صالح نیست و طبق اصل ۶۹ متمم قانون اساسی رسیدگی به کار این جانب در صلاحیت دیوان کشور است.

از روزی که کشور ایران صاحب رژیم مشروطه شده از آن نخست‌وزیر و وزیرانی که برخلاف مصالح مملکت کار کرده‌اند حتی یک نفر را هم ولو برای چند دقیقه بازداشت نکرده‌اند.

کمیسیون مختلط تشکیل دادند. قرارداد تحت‌الحمایگی ایران را امضاء کردند. پلیس جنوب را برسمیت شناختند. امتیاز کشتی‌رانی دریاچه ارومیه را تنفیذ کردند. مطالبات بی‌اساس دولت انگلیس را قبول نمودند. مدت امتیاز معادن نفت و تسلط بیگانگان را برای مدت سی و دو سال تمدید نمودند. نرخ لیره را به نفع بیگانگان بالا بردند. فداکاریهای ملت ایران را ندیده گرفتند. سیاست خارجی را کماکان در معادن نفت جنوب برپا نمودند. توازن صادرات بدون نفت و واردات را که در دولت این جانب یکی شده بود از بین بردند بطوریکه واردات سال ۳۳ در حدود هفتصد ملیون تومان بر صادرات فزونی داشته است. توازن بودجه را هم بهم زدند و شصت و پنج ملیون تومان کسر بودجه سال ۱۳۳۲ را به هفتصد ملیون تومان رسانیدند و صدها از این

قبیل که چون در مصالح بیگانگان شده بود از هر تعرض مصون ماندند و حتی بعضی از آنها مورد تقدیر و حق‌شناسی هم واقع شدند.

ولی من و همکارانم را که جز خواسته‌های مردم کاری نکرده‌ایم و حتی قدمی برخلاف مصالح مملکت برنداشته‌ایم بازداشت نمودند و در محاکم غیرصالح و غیرمستقل محاکمه و محکوم کردند و اکنون قریب سه سال است در زندان مجرد بسر برده‌ام و دست حق‌گزاری به بالاترین دادگاه مملکت دراز کرده‌ام، این دادگاه هم می‌خواهد مرا از حقی که قانون به هر متهمی داده است محروم کند.

ای کاش همان روز ۱۵ اسفند ۲۳ یا نه اسفندماه ۳۱ من از بین رفته بودم و اکنون یک عده رجال پاکدامن دچار محظور نمی‌شدند، محظوری که موجب آن خود دیوان عالی کشور است. چنانچه بعد از تقدیم لایحه فرجام موضوع مأموریت و معذوریت بمیان نیامده بود و دادگاه به کار این جانب رسیدگی می‌کرد این کار خاتمه یافته بود. بر فرض اینکه من آزاد نمی‌شدم مربوط به دیوان عالی کشور نبود ولی بعد که اوضاع بتدریج فرق نمود روحیه آقایان قضات هم مثل سایر مردم ضعیف شد و دادگاه تشکیل نگردید.

در هر کجا امید مظلوم به دادگستری است. وای از آنوقت که دیوان عالی کشور هم نتواند طبق قانون و وظایف خود را انجام دهد که در این صورت چه فرقی است بین این دادگاه که قضات آن استقلال و مصونیت دارند با دادگاه سری یا علنی نظامی که هرچه در آن بگویند کسی نشنود و حکمی که صادر می‌کنند روی سلسله مراتب و اطاعت از مافوق باشد [!؟]

اکنون در قبال تصمیمی که اتخاذ فرموده‌اید نمی‌توانم اظهاری بکنم. فقط آن قسمت از نامه مورخ ۲۲ مهرماه خود را که به آن جناب عرض نموده‌ام در اینجا نقل می‌کنم. «هرگاه شعبه این جانب را برای حضور در دادگاه احضار نکند و حق دفاعی که قانون به هر متهمی داده است از این جانب سلب کند چون دیگر وسیله‌ای برای دفاع ندارم مرگ را به زندگی ترجیح می‌دهم...»

و چون برطبق دستور آن جناب بین این جناب و آقایان وکلایم دیگر ملاقاتی دست نخواهد داد از هم اکنون باستحضار عالی می‌رسانم که چنانچه تا آخر فروردین ماه ۱۳۳۵ که فقط چهارماه بانقضای مدت حبس این جانب می‌ماند دادگاه تشکیل نشود و این جانب را برای دفاع از حق خود احضار نکنند تصمیم خود را بموقع اجراء می‌گذارم. اگر دیوان عالی کشور قادر به اجرای قانون نیست، در این جانب قدرت انتحار هست و این هم باز خدمتی است که به آزادی و استقلال مملکت می‌شود و من از صمیم قلب آن را استقبال می‌نمایم.

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۴

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۰ اسفندماه ۱۳۳۴
اعتراض بحکم غیابی

جناب آقای علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور

تهدید من بانتحار سبب شد که شعبه ۹ دیوان عالی کشور کاری را که قریب دو سال در آن در مانده بود و نمی دانست چطور اظهار نظر کند که به این و آن بر نخورد تسریع نماید و پرونده چطور مرا نخوانده و رأیی بدون مطالعه و ذکر دلیل که جرائد روز آن را بشرح ذیل منتشر کرده‌اند: «شعبه ۹ در مورد تقاضای فرجام آقای دکتر مصدق ایراد و اعتراضات متهم را وارد ندانسته و رأی دادگاه تجدیدنظر نظامی را درباره ایشان ابرام می نماید».

در یک موضوع حیاتی، یعنی بر علیه قانون اساسی و مشروطیت یک ملتی صادر کند و حکم دادگاه نظامی را که باستناد ماده عام المنفعه ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش صادر شده است ابرام نماید.

آری تاریخ هر روز به یک صورتی تکرار می شود و از سیر تاریخ نمی توان اجتناب کرد. یک روز کسانی را که سد راه منافع بیگانگان می شدند بعنوان مخالفت پادشاه با اسلحه آن روز و امروز بدین طریق از بین می برند، ولی هنوز آن جبر تاریخ به مرحله قطعی خود نرسیده است و من بر طبق قانون به این حکم مختصر و مبتذل می توانم اعتراض نمایم.

من به این حکم غیابی که از نظر ملت ایران فاقد ارزش است طبق ماده ۴۵۳ اصول محاکمات جزائی که می گوید «پس از آنکه طرفین بر حسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان عالی تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست» چون بر حسب اصول احضار نشده‌ام و دادگاه با احضار من مخالفت نمود اعتراض می کنم و به آنهایی که حکم ابرام را صادر کرده‌اند طبق ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی «هریک از قضات یا مستنطقین یا مدعی العمومها که برخلاف صریح قانون رفتار کنند از شغل قضائی منفصل بعلاوه بتأدیة خسارت نیز محکوم خواهد شد»، اعلام جرم می نمایم. چونکه بر طبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی که می گوید «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی افتد» می بایست مرا احضار کرده باشند ولی نکرده‌اند.

و همچنین بنص صریح ماده ۴۵۱ همان قانون «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می نماید متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می دارند» می بایست بعد از اینکه این جانب مطالبی اظهار کنم رأی بدهند. این کار هم نشده و

قانون را نقض کرده‌اند.

در خاتمه عرض می‌کنم که این اعتراض برای این نشده که دادگاه مرا تبرئه کند چونکه این محکومیت برای من مزید افتخار است، بلکه از این جهت شده است که در دادگاه نظامی نتوانستم حقایق را اظهار کنم و می‌خواهم در این دادگاه آن حقایق را بعرض ملت ایران برسانم تا همه بدانند علت محکومیت من چیست.

بنابراین یا رأی‌دهندگان به این حکم باید قانون را اجراء کنند و اعتراض مرا قبول نمایند چونکه قضات پاکدامن قضاتی هستند که چنانچه عملی برخلاف قانون مرتکب شوند آن را جبران می‌کنند و چه از این بهتر که برطبق قانون و روی صلاح مملکت اعتراض مرا قبول کنند و به آئیه دادگستری جامعه را امیدوار بدارند تا این جانب در موضوع عدم صلاحیت دادگاه نظامی از روی دلایل قوی ثابت کنم اگر دولت این جانب ساقط نمی‌شد چیزی نمی‌گذشت که قضیه نفت صددرصد بشفعت ملت ایران حل می‌شد.

و یا اگر قضات این کار را نکنند آن جناب با جناب آقای وزیر دادگستری که رونوشت این نامه برای ایشان فرستاده می‌شود وارد مذاکره شوند که در یک کنفرانس آزاد بتوانم آن حقایق را اظهار کنم و البته تصور نخواهند فرمود که من می‌خواهم از این اطاق زندان که در این مدت فقط برای رفتن به دادگاه و دادستانی آرتش از آن خارج شدم از هوای آزاد استفاده کنم.

من تا آخرین روز مدت سه سال چون این حکم از یک دادگاه صالحی و بشفعت مملکت صادر شده در هر زندانی که بفرمایند می‌مانم ولو اینکه جهنم باشد و بطوری که در نامه مورخ ۲۲ مهرماه ۳۴ عرض کرده‌ام چنانچه اعلیحضرت همایون شاهنشاه هم به مقتضای رعیت‌پروری این جانب را عفو بفرمایند چون توهین بزرگی است که به یک خدمتگزار مملکت و شاهنشاه آن می‌شود، آن را قبول نخواهم کرد.

محکوم در سه دادگاه
دکتر محمد مصدق

۳۳۵

اعلام جرم دکتر مصدق خطاب به علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۰ فروردین‌ماه ۱۳۳۵
برای ضبط در پرونده

موضوع: اعلام جرم راجع به نقض اصل ۷۸ منم قانون اساسی و ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی

جناب آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور

روزنامه «کیهان» مورخ ۹ فروردین‌ماه ۳۵ صفحه ۱۱ می‌نویسد: امروز آقای هیئت رئیس دیوان کشور گفتند آقای دکتر مصدق نامه‌ای برای این جانب و نامه دیگری برای دادستان کل

فرستاده و به رأی اخیر شعبه نهم دیوان کشور که پس از رسیدگی به پرونده ایشان صادر نموده اعتراض کرده و ضمن آن نوشته شده که دیوان کشور بایستی با حضور متداعیین رسیدگی نموده و رأی صادر نماید و چون هنگام صدور رأی از وی دعوت نشده لذا رأی مزبور قابل اعتراض است درحالی که این نظریه و استناد صحیح نیست و نه تنها در دیوان تمیز ایران بلکه در دیوان تمیز هیچیک از کشورهای دیگر اینطور که مدعی شده است نیست، یعنی رویه این است که تمیز بدون حضور متداعیین رسیدگی کرده و رأی صادر می‌نماید و برای ما نیز همین رویه مناط است و از ابتدای تشکیل دیوان کشور همین رویه متداول بوده و هست و عدول از آن صحیح نبوده و نیست.»

این بود آنچه روزنامه مزبور در شماره ۳۸۳۴ خود منتشر نموده است و از این بیانات البته آن جناب دو نظر داشته‌اند: یکی این بوده که حکم دادگاه پس از رسیدگی به پرونده صادر شده و دیگر اینکه دیوان تمیز حتی در هیچ کشور متداعیین را برای رسیدگی احضار نمی‌کند که برای رفع سوء تفاهم از آن جناب و از دادگاه بعرض توضیحات زیر مبادرت می‌نمایم:

(۱) راجع به صدور حکم بعد از رسیدگی به پرونده کافی است که عرض کنم طبق اصل ۷۸ متمم قانون اساسی: «احکام صادر از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود.»

بنابراین دادگاه مکلف است ادله و براهین خود را در حکم ذکر کند. پس چه شد که حتی یک کلام راجع به مطالبی چند که این جانب در لایحه فرجامی خود روی چند اصل از اصول قانون اساسی در خصوص عدم صلاحیت دادگاه نوشته‌ام جوابی نداد و آنها را ندیده گرفت و کوچکترین دلیلی هم برای صلاحیت دادگاه نظامی اقامه نکرد و فقط بذکر یک جمله محقر و مبتذل قناعت نمود و رأی خود را بدین طریق صادر کرد:

«هیئت شعبه در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۳۴ با حضور آقای انصاری دادیار دیوان کشور تشکیل و پس از قرائت گزارش آقای عقیلی و ملاحظه اوراق مربوطه و کسب عقیده آقای انصاری دادیار دیوان کشور از طرف جناب آقای دادستان کل برابر حکم فرجام خواسته بود و مشاوره چنان رأی می‌دهد «با ملاحظه جمیع جهات و نظر به اوضاع و احوال خصوصی مورد اعتراضات فرجامی مؤثر بنظر نرسید و حکم صادر ابرام می‌شود. اعضاء و هیئت حاکمه - مَهر دیوان کشور» (نقل از روزنامه کیهان مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۳۴).

چنانچه غیر از این است آن جناب بفرمائید چرا اصل ۷۸ متمم قانون اساسی را نقض کرده و در یک موضوع مهم و حیاتی مملکت سکوت اختیار نموده‌اند و موضوع قابل توجه این است که دیوان عالی کشور حتی یک حکم دادگاه نظامی را تاکنون ابرام ننموده و این اولین حکمی است که شعبه نهم از فرط ایمان به آزادی و استقلال مملکت آن هم برطبق «رویه غذایی» ابرام کرده و مورد تأیید آن جناب هم واقع شده است، احسنت!!

بر فرض اینکه اصل ۷۸ متمم در قانون اساسی نبود و وضع نشده بود وقتی یک دادگاه مستقل و مصون از هر تعرض روی یک قضیه حیاتی می‌خواست رأی بدهد. یعنی قانون اساسی را نقض کند و از ملت ایران سلب آزادی نماید و تمام فداکاریهای ملت را در عرض پنجاه سال اخیر از بین ببرد می‌بایست دلایل خود را در حکم ذکر نموده باشد تا نتوانند به هیچیک از اعضای آن کوچکترین نسبتی بدهند و یا آنها را در مظان تهمت بگذارند.

(۳) و اما اینکه فرموده‌اید دیوان تمیز در هیچ کشور با حضور متداعیین رسیدگی نمی‌کند و رویه این است که تمیز بدون حضور متداعیین رسیدگی کرده رأی صادر می‌نماید، باید عرض کنم که بیانات آن جناب مخالف یک اصل کلی و نص صریح اصل ۷۶ متمم قانون اساسی است که می‌گوید: «انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر اینکه علنی بودن آن محل نظم یا منافی عصمت باشد که در این صورت لزوم اخفاء را محکمه اعلان می‌نماید». بنابراین هیچ دادگاهی از اولین ساعت تشکیل آن هم برای همیشه نمی‌تواند مخفیانه تشکیل شود و در اصل ۷۸ سابق‌الذکر نیز قید شده است که دادگاه باید حکم خود را علناً قرائت کند و قرائت علنی هم در جلسه‌ای که متداعیین حضور ندارند بيمورد است.

طبق اطلاعات این جانب در کشور سوئیس چنین رویه‌ای معمول نیست و تردید ندارم که در فرانسه که قوانین ما از قوانین آن کشور اقتباس شده و حتی در همه جا دادگاه علنی است. اکنون قریب دو سال است که کار این جانب در آن دیوان معلوم نشده. چندی هم روی همه. این جانب حاضرم که از دیوان کشور فرانسه و بلژیک اسنادی گرفته و ارائه دهم که در آنجا متداعیین به دیوان کشور احضار می‌شوند. خوب است آن جناب از اشخاص مطلع تحقیق فرمایند. چنانچه رفع اشتباه نشد مرقوم فرمایند که اسناد لازم را این جانب تهیه نمایم.

و اما اینکه فرموده‌اید برای ما نیز همین رویه مناسط است و عدول از آن صحیح نبوده و نیست عرض می‌کنم چقدر جای خوشوقتی است که آن جناب از علوم قدیمه و جدیده هر دو بهره کافی دارید و می‌دانید که در فقه اسلامی هیچ مجتهدی جامع تمام شرایط هم نمی‌تواند در قبال یکی از مدارک ثلاثه یعنی قرآن و سنت و اجماع فتوایی بدهد و آنها را بی‌اثر کند.

در لایحه مورخ ۲۱ بهمن ۳۴ نیز باستحضار رسانیده‌ام که هرکجا وقتی دو قانون حکم خاصی دارند قانونی که در نفع متهم است اجرا می‌کنند و اکنون آن جناب حقی را که قانون به این جانب داده است نه بعنوان یک قانون بلکه بعنوان یک «رویه غذائی» می‌خواهید از این جانب سلب نمائید، چون که طبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی متداعیین باید برای رسیدگی احضار شوند این جانب احضار نشده‌ام و نیز طبق ماده ۴۵۱ متداعیین یا وکلای آنان باید قبل از صدور رأی عقیده خود را اظهار کنند سپس دادگاه رأی بدهد، این کار هم نشده و طبق ماده ۴۵۳ که این جانب حق اعتراض دارم اعتراض خود را داده‌ام.

از عرض این عرایض مقصود این نیست که این جانب از خود سلب افتخار کنم چونکه

محکومیت «روی اوضاع و احوال خصوصی» مظلومیت‌م را ثابت نمود و برای من که در راه وطن عزیزم می‌خواهم کشته شوم، پلّه اول افتخار است. بلکه مقصود اجرای قانون و گفتن حقایق برای ضط در تاریخ و در نفع ملت ایران است.

بطور خلاصه قانون در نفع اجتماع و افراد وضع می‌شود و مادام که نسخ نشده اجتماع یا فردی از افراد می‌تواند اجرای آن را بخواهد و هیچ دادگاهی هم باستناد «رویه غذائی» هر قدر هم که مقوی و لذیذ باشد نمی‌تواند صاحبان حق را از آنچه قانون به آنها داده است محروم کند. تا قانون وجود دارد محترم است و هر وقت هم که با مقتضیات مطابقت نکند باید آن را نسخ نمود و یا اصلاح کرد.

دکتر محمد مصدق

۳۳۶

نامه دکتر مصدق به اخوی وزیر دادگستری

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۵

جناب آقای اخوی وزیر دادگستری

روزنامه «کیهان» شماره ۳۸۶۲ مورخ ۱۵ جاری راجع به اعلام جرم این جانب بر علیه آقایان مستشاران دیوان عالی کشور که برخلاف ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی حق دفاع را در دادگاه از این جانب سلب کرده و حکم دادگاه تجدید نظر نظامی را ابرام نموده‌اند خیری زیر عنوان «دادگاه عالی انتظامی نیز اعتراض دکتر مصدق را رد کرد» در صفحه ۱۱ منتشر نموده که برای استحضار آن جناب عیناً نقل می‌شود:

«یک مقام قضائی در وزارت دادگستری به خبرنگار ما اظهار داشت در تعقیب اعتراضی که آقای دکتر مصدق چندی قبل برای شعبه ۹ دیوان کشور نمود اخیراً اعلام جرمی علیه قضات برای رئیس دیوان کشور و دادستان کل ارسال داشت. رئیس دیوان کشور اعلام جرم مزبور را برای رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله کرد و دادگاه عالی انتظامی آن را وارد ندانست و رد کرد.»

این است که تمنا می‌کنم اگر خبر فوق مطابق با واقع نیست آن را تکذیب فرمایند والا متن کامل نامه مورخ ۲۰ اسفندماه ۳۴ این جانب در خصوص اعتراض به حکم غیابی و همچنین نامه مورخ ۲۰ فروردین ماه ۳۵ این جانب راجع به اعلام جرم بر علیه رأی دهندگان به حکم غیابی به جناب آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور که رونوشت آنها برای استحضار آن جناب ارسال شده با متن کامل رأی دادگاه عالی انتظامی قضات مربوط به اینکه اعلام جرم وارد نیست در جرائد منتشر شود تا مردم همه بخوانند و قضاوت نمایند.

انتشار این اسناد نه مخالف امنیت کشور است نه مخالف رویه دادگستری، بلکه حفظ مقام و حیثیات دادگستری چنین ایجاب می‌کند که مثل همه جا شکایت محکوم و رأی دادگاه منتشر شود تا عامه مردم به بیغرضی و صحت اعمال دادگستری پی ببرند و بر معتقدات و ایمان خود به آن دستگاه بیفزایند.

امتناع از قبول درخواست یک مظلوم که عنقریب سه سال است در ازای خدمت به مملکت و در منافع سیاست بیگانه زندانی است آن هم از طرف یک وزیری که عضو دولت مبارزه با فساد است، در حکم اعلان ورشکستگی دادگستری است. اگر رأی دادگاه عالی انتظامی طبق قانون صادر شده چرا اعتراض این‌جانب را بحکم غیابی دادگاه و اعلام جرم این‌جانب را برعلیه رأی‌دهندگان، مردم نخوانند و ندانند و چنانچه طبق قانون صادر نشده چرا دولتی که یگانه ماده برنامه‌اش مبارزه با فساد است درصدد اصلاح دادگستری برنیاید.

جناب آقای اخوی شما که مثل بعضی احتیاج به مقام و پول ندارید و از پدر خود مالی بارث برده و می‌توانید در تمام مدت عمر از این احتیاجات مستغنی باشید راضی نشوید دادگستری ایران که نتیجه نیم قرن مشروطیت ما و زحمات بعضی از رجال علاقمند به مملکت و خیرخواه است بیش از این حیثیات خود را از دست بدهد.

از عرض این مطالب نظر شخصی ندارم چون که افتخارم در این است در زندان بمانم و از زندان به قبرستان انتقالم دهند.

بیش از این مصدع نمی‌شوم و خوشوقتم از اینکه در شرایط فعلی هر کار می‌توان کرد جز اینکه تاریخ را نمی‌توان تحریف نمود و یا تغییر داد «عند الامتحان بکرم المرء و یهان».

دکتر محمد مصدق

۳۳۷

نامه دکتر مصدق به گلشائیان وزیر دادگستری

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۷ خردادماه ۱۳۳۵

جناب آقای گلشائیان وزیر دادگستری

(۱) با ارسال پرونده فرجام خود که قرائت آن ساعتی از اوقات آن‌جناب را خواهد گرفت لازم نیست از ابتدا شروع کنم این است که مطلب خود را از آنجا آغاز می‌کنم که روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه ۳۴ «رادیو طهران» رأی شعبه ۹ دیوان عالی کشور را مبنی بر ابرام حکم دادگاه تجدیدنظر نظامی و محکومیت این‌جانب منتشر نمود و این‌جانب هم از نظر اینکه حکم را ابلاغ نکنند و انتشار در رادیو طهران را که یک مؤسسه دولتی است در حکم ابلاغ قرار داده و به این طریق حق اعتراض را ساقط نمایند اعتراض خود را به رأی دادگاه طبق آنچه در روزنامه‌ها منتشر

شده بود تنظیم و ۲۱ اسفند یعنی سه روز بعد از انتشار این خبر تسلیم دادستانی آرتش نمودم که مدتی در حدود یک ماه گذشت و خبری از آن نشد.

سپس دادنامه را که تاریخ صدور آن ۲۲ اسفند است دیوان کشور بوسیله دادستانی آرتش به این جانب ابلاغ کرد که رونوشت نامه شماره ۳۴۰۵ د مورخ ۲۲ فروردین ۳۵ دادستانی آرتش جزو پرونده است و این خود می‌رساند که جریان کار این محاکمه در آن دیوان از صورت عادی خارج بوده است. اگر دادنامه محتاج بابالغ نبود چه پیش آمد که ابلاغ شد و چنانچه می‌بایست ابلاغ شود چرا این کار به وقت نشد و یک ماه بعد انجام گرفت.

(۲) از سرنوشت اعتراض خود بحکم غیابی نیز بوسیله یک مقام مطلع و مجهولی مستحضر شدم که روزنامه «اطلاعات» در شماره ۸۹۷۰ مورخ ۱۹ فروردین ماه ۳۵ زیر عنوان نامه اعتراضیه دکتر مصدق بایگانی شد نگاشت «یک مقام مطلع در دیوان عالی کشور امروز به خبرنگار ما اظهار داشت نامه اعتراضیه‌ای که چندی قبل دکتر مصدق بعنوان آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور ارسال داشته بود بواسطه وارد نبودن اعتراض در دفتر دیوان کشور بایگانی گردید.»

چون نتوانستم تحمل این رویه خلاف قانون را بکنم آن هم از ناحیه یک مقامی که خود ناظر اجرای قانون و حافظ قانون است اعلام جرمی بر علیه قضات رأی‌دهنده تنظیم کردم و آن را ۲۰ فروردین ماه ۳۵ تسلیم دادستانی آرتش نمودم که باز آن شخص مطلع و مجهول نخواست مستقیماً اظهاری بکند و رد آن را بوسیله روزنامه «کیهان» شماره ۳۸۶۲ مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۵ زیر عنوان «دادگاه عالی انتظامی نیز اعتراض دکتر مصدق را رد کرد» به این جانب اعلام نمود که ناچار شدم از جناب آقای اخوی وزیر دادگستری طی نامه مورخ ۱۷ اردیبهشت ۳۵ تقاضا کنم موضوع را مورد توجه قرار بدهند. چنانچه از دادگاه عالی انتظامی قضات رأی بر رد آن صادر شده باشد مانع نشوند که متن کامل آن و همچنین متن کامل اعتراض به حکم غیابی و اعلام جرم این جانب در جرائد منتشر گردد تا عامه بدانند مدار کار در دادگستری از چه قرار است و الاً خبر روزنامه کیهان را تکذیب نمایند که به این نامه جوابی نرسید و مدتی نگذشت که در بعضی از جراید منتشر شد وزیر از جریان کار دادگستری ناراضی است و می‌خواهد از کار کنار برود. سپس روزنامه «اطلاعات» در شماره ۹۰۱۱ مورخ جمعه ۱۱ خرداد نوشت «بقرار اطلاع آقای اخوی تاکنون چندین بار اظهار تمایل به کناره‌گیری نموده و حتی استعفای خود را نیز تقدیم داشته است ولی از ایشان تقاضا شد که تا استعفای کابینه و تشکیل دولت جدید وزارت دادگستری را تصدیق نماید.»

(۳) خلاصه اینکه سلف آن جناب یا نخواست مثل بعضی دادگستری ایران را بدنام و رسوا کند و یا نتوانست. یعنی قضات دادگاه عالی انتظامی از استقلال و مصونیت خود استفاده کرده شخصیت خود را حفظ نمودند و الحق هم چه کار صحیحی کرده‌اند، چونکه این استقلال و مصونیت برای یک چنین روزهایی بقضات داده شده است و یا هر دو، یعنی هم قضات مردان

شرافتمندی هستند که نخواستند زیر بار نفوذ اجنبی بروند هم وزیر نخواست برای چند روز تصدی وزارت حکمی از یک دادگاه مهم دادگستری برخلاف قانون و مصالح مملکت صادر شود و مثل بعضی از آن دفاع کند و خود را بدنام نماید.

مگر من در دادگاه چه می‌گفتم که بیاناتم تا این حد ایجاد وحشت کرده است و در اینجا این سؤال پیش می‌آید که ایجاد چنین وضعیتی در مصالح ایران است یا در منافع بیگانگان؟

(۴) اکنون نوبت آن جناب است که به این کار خاتمه دهید و این جانب هم چیزی غیر از آنچه از سلف شما خواسته‌ام تقاضا ندارم و یک بیگناهی هم که عنقریب سه سال است بدستور سیاست خارجی و بر علیه مصالح مملکت در حبس مجرد بسر می‌برد باید بتواند از یک هموطن خود و یک وزیر ایرانی دادگستری یک تقاضای ناچیزی را بکند که این است:

اگر خبر روزنامه کیهان صحیح است و دادگاه عالی انتظامی قضاات قبل از ۱۵ اردیبهشت ۳۵ اعلام جرم را وارد ندانسته و آن را رد کرده است برای اینکه دیگر مزاحم کسی نشوم و از این دستگاه بکلی مأیوس شوم متن آن را به این جانب ابلاغ کنند و اجازه فرمائید طبق معمول تمام دادگستریهای ممالک مترقی در این مملکت مشروطه هم مانع نشوند و بگذارند جرائد متن رأی دادگاه و متن اعتراض و اعلام جرم این جانب را منتشر کنند تا مردم آنها را بخوانند و بر ایمان خود نسبت به این دستگاه بیفزایند.

والا این کار خلاف قانون و خلاف مصالح مملکت هر قدر بیشتر تقویت بشود و حکمی که برخلاف نص صریح اصل ۷۶ متمم قانون اساسی و ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی روی «اوضاع و احوال خصوصی» صادر شده باقی بماند گذشته از اینکه بقوه قضائیه مملکت لطمه وارد می‌کند برای ملت ایران هم در مجامع بین‌المللی حیثیتی باقی نمی‌گذارد.

بنابراین حفظ استقلال قوه قضائیه و حیثیت ملت ایران چنین ایجاب می‌کند که طبق قانون این جانب احضار شوم و پس از دفاع از خود دادگاه هر طور خواست رأی خود را بدهد و اشتباه نکند اگر ملتی حیثیت خود را از دست بدهد وزیر مملکت هم ارزش و حیثیتی نخواهد داشت. البته تصور نخواهید فرمود که این تقاضا صرفاً از نظر شخص خود این جانب است. چونکه سه سال مدت حبس خود را تحمل کرده‌ام و از محکومیت در این دادگاه هم که در نتیجه خدمت به مملکت نصیب شده است افتخار بزرگی تحصیل نموده‌ام که هرگز نمی‌خواهم آن را از دست بدهم و بعد هم هر چه بسرم بیاید روی همین اصل است و با کمال خوشوقتی آن را قبول می‌کنم، بلکه از نظر اجرای قانون و مصالح کشور است. حال آن جناب با این نظریه چقدر موافق باشید مطلبی است که بعد روشن می‌شود و تاریخ قضاوت خواهد کرد.

دکتر محمد مصدق

به پیوست ۳۳ برگ پرونده فرجامی